

# خانوار خوشخبر

تأليف: خواجہ مولانا مجیب الرحمن «انصاری»



## شناسنامه کتاب

- ❖ نام کتاب: خانواده خوشبخت.
- ❖ مؤلف: خواجه مولانا مجیب الرحمن «انصاری».
- ❖ جمع و ترتیب: عبدالمتین «عادل».
- ❖ تاریخ چاپ: تابستان ۱۴۰۱ هـ.ش.
- ❖ نشر: بخش فرهنگی دارالعلوم عالی انصار.
- ❖ تیراژ: ۲۰۰۰ جلد.

جدیدترین PDF کتاب و رساله‌ها را می‌توانید از کانال تلگرامی ذیل دریافت کنید:

[@DaruloloomAnsar](https://t.me/DaruloloomAnsar)

## عرض مرتب

ثنا و ستایش بی‌کران از ذات یکتایی است که شاه‌راه رستگاری را برای انسان‌ها نشان داد و راه رسیدن به خوشنودی خود را برای بندگان خویش آسان نمود

دروود و سلام پروردگار بر پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله آنکه دارای صفات پسندیده، مناقب برتر و مواهب بزرگی بودند؛ همانکه آینه تمام‌نمای ادب، حیا، جود، گذشت و سایر برازندگی‌های اخلاقی به شمار می‌رفت.

در عصر حاضر، بسیاری از زن و شوهرها در اثر رعایت نکردن حقوق دیگری و توجه نکردن به مسئولیت‌های خویش، به اختلافات و درگیری‌های عمیق و خانمان‌سوزی دچار شده‌اند که این امر باعث سست شدن اساس زندگی زناشویی گردیده و متأسفانه، مهر و محبت، جای خود را به کدورت و کینه‌توزی، خالی کرده است.

بر آن شدیم تا از سخنرانی‌ها و ملفوظات جناب خواجه مولانا مجیب الرحمن «انصاری» [حفظه الله] مجموعه ارزشمندی را برای خانواده‌های مسلمین گردآوری کنیم و پس از بازنگری جناب مولانا، به زیور چاپ آراسته گردانیم تا عموم مسلمین از این نوشته‌های گهربار و ارزشمند، استفاده کنند.

الله متعال، زحمات گوینده و نگارنده این رساله را خالصانه برای خود بگرداند و به خوانندگان عزیز، توفیق عمل به محتوای این رساله نصیب گرداند. اللهم آمین.  
عبدالمتین "عادل"

مسئول دارالتألیف دارالعلوم عالی انصار.

## فهرست مطالب

عناوین	شماره صفحه
عرض مرتب	۱

### مبحث اول: مسئولیت های شوهر

مطلب اول: ارزش زن در اسلام	۱
مطلب دوم: حقوق زن بر شوهر	۷
۱- پرداخت مهر:	۱۰
۲- تهیهٔ مخارج زندگی:	۱۲
۳- خوش رفتاری کردن:	۱۵
۴- صبر در برابر اذیت و آزار:	۱۷
۵- آموزش علم دین:	۱۹
۶- آماده ساختن غذای حلال:	۲۱
۷- حمایت در برابر آسیب ها:	۲۳
۸- گمان نیک داشتن:	۲۵
۹- احترام و بزرگ داشتن:	۲۷
۱۰- عدالت در میان خانمها:	۲۹

## مبحث دوم: مسئولیت‌های زن

- مطلب اول: جایگاه مرد در خانواده ..... ۳۳
- مطلب دوم: حقوق شوهر بر زن ..... ۳۷
- ۱- فرمانبرداری از دستورات شوهر: ..... ۳۸
  - ۲- تمکین به خواست شوهر: ..... ۴۱
  - ۳- خودآرایی برای شوهر: ..... ۴۴
  - ۴- مخالفت نکردن با شوهر در مورد محل سکونت: ..... ۴۸
  - ۵- استقبال از شوهر هنگام آمدن به منزل: ..... ۵۱
  - ۶- درخواست نکردن طلاق بدون عذر شرعی: ..... ۵۳
  - ۷- اجازه ندادن برای ورود به خانه، بدون اجازه شوهر: ..... ۵۵
  - ۸- نگرفتن روزه نفلی بدون اجازه شوهر: ..... ۵۷
  - ۹- عزاداری در اثر وفات شوهر: ..... ۵۸

## مبحث سوم: چگونه مشکلات خانوادگی را حل کنیم؟!

- مطلب اول: ارزش زن در اسلام ..... ۶۱
- مطلب دوم: اسباب و عوامل اختلاف در میان زن و شوهر: ..... ۶۴
- ۱- توجه کردن به حقوق و رعایت نکردن واجبات: ..... ۶۸
  - ۲- اختلاف در عمل به امور دینی: ..... ۷۰
  - ۳- توجه نکردن به همدیگر: ..... ۷۱
  - ۴- رفتار تهدیدآمیز زوجین: ..... ۷۲
  - ۵- خودخواهی و خودبینی: ..... ۷۴

- مطلب سوم: راه های حل مشکلات خانوادگی: ..... ۷۶
- ۱- مدارا کردن: ..... ۷۶
- ۲- توصیه: ..... ۷۸
- ۳- دادگاه خانوادگی: ..... ۷۸
- ۴- واگذار کردن بحث به زمانی که عصبی و ناراحت نباشید: ..... ۸۱
- ۵- هدیه دادن: ..... ۸۲
- ۶- تأدیب مشروع: ..... ۸۴
- مطلب چهارم: چند نصیحت برای شوهر: ..... ۸۶
- مطلب پنجم: چند نصیحت برای زن: ..... ۸۹

## مبحث اول: مسئولیت های شوهر

**مطلب اول: ارزش زن در اسلام**  
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ. وَالصَّلَاةُ  
 وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ وَالَاه.

اما بعد! قال الله ﷻ: ﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا  
 شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا﴾<sup>۱</sup>.

دین مقدس اسلام برای زنان چنان جایگاه بلند و حقوق متناسب با طبیعت شان بیان کرده که هیچ آیین دیگری در دنیا برای زنان آنگونه حقوق را قائل نشده است و همچنین هیچ نظام قانونی دیگری را نیز نمی توان یافت که بر علاوه اسلام، حقوق و امتیازات کامل و جامعی را برای زنان در نظر گرفته باشد.

اگر زنان به ارزش شان که اسلام برای آنها در نظر گرفته است، پی ببرند به خود افتخار خواهند کرد و خواهند دانست که ایشان کالا نیستند چنانچه برخی از مذاهب هندوئیسم، به کالا بودن زنان باورمند هستند و همچنین خواهند دانست که ایشان، وسیلهٔ اعلانات تجارتي نیستند که بخاطر فروش بیشتر، عکسهای شان بر روی اجناس تجارتي چسپانیده شود.

<sup>۱</sup> - سورة النساء، آية ۱۹.

دین اسلام، زن را به اعتبار اینکه حقوق متفاوت از مرد دارد هیچگاه پایین تر از مرد و مرد را برتر از زن قرار نداده و همچنین جنسیت آن دو را معیار برتری یکی بر دیگری نگردانیده است. بلکه معیار برتری را تقوا و پرهیزگاری قلمداد کرده است. چنانکه الله ﷻ می فرماید: **﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾**!

یعنی: قطعاً گرامی ترین شما در نزد الله، پرهیزگارترین شماست.

اگر زندگی نخستین انسان ها را به بحث بگیریم، درمیابیم که قرآن کریم هیچگاه تنها حوا **﴿اِيْلَها﴾** را بخاطر لغزش، سرزنش نکرده و از جهت دیگر، اینگونه نبوده که فقط توبه آدم **﴿اِيْسَى﴾** پذیرفته شده و توبه حوا رد گردیده باشد. چون در اسلام معیار ارزش و برتری جنسیت نیست. بلکه بنابر تعبیر قرآنی، هم حوا و هم آدم **﴿اِيْلَها﴾** دچار وسوسه شیطانی شده و فریب خوردند و سپس هردوی ایشان به درگاه الهی توبه کرده و آمرزش الهی شامل حال هر دوی آنها گردید. چنانچه که الله ﷻ می فرماید: **﴿قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾** <sup>۲</sup>.

یعنی آدم و حوا، گفتند: پروردگارا! ما بر خود ستم کردیم و اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی از زیانکاران خواهیم بود.

<sup>۱</sup> - سورة الحجرات، آیه ۱۳.

<sup>۲</sup> - سورة الأعراف، آیه ۲۳.



در آموزه‌های اسلامی، زن دارای حقوق و وجایب خاص است همانطوری که مرد نیز دارای حقوق و مکلف به انجام دادن وجایی می‌باشد و همچنین زن در صورتیکه عمل نیکویی انجام دهد، در عرصه دریافت پاداش، با مرد مساوی بوده و طبیعت انسانی او بی ارزش‌تر از مرد نیست. چنانچه که الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِنْ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا﴾<sup>۱</sup>

یعنی: کسی که عمل شایسته انجام دهد و در حالی که مؤمن باشد - خواه مرد و خواه زن - ایشان به بهشت داخل می‌شوند و به اندازه گودی هسته خرما به ایشان ستم نمی‌شود.

دین مقدس اسلام برای رفع نیازمندی‌های بشری و در جهت رسیدن بشریت به پله‌های موفقیت و رستگاری، احکاماتی را وضع کرده و پیروان خود را فرمان داده تا در زندگی خود، آن احکام را عملی سازند و جز در موارد اندکی در میان مرد و زن فرقی قائل نشده است.

بنابر آنچه گفته شد، شکی در این نیست که دین اسلام برای زن مقام و منزلت والایی عطا کرده تا جایی که در قرآن کریم یک سوره به نام زنان تحت عنوان «النساء» اختصاص یافته است. فلسفه‌ای نامگذاری این سوره به نام النساء، باوصف اینکه

<sup>۱</sup> - سورة النساء، آیه ۱۲۴.

بیشترین مباحث این سوره در مورد جهاد می‌باشد، این است که در پشت جوانان مخلص و مجاهدین فداکار، زنان استوار قرار دارند و این زنان هستند که با تربیت درست، جوانان افتخار آفرینی را به جامعه اسلامی تقدیم می‌کنند.

همچنین یکی از سوره‌ها به نام مریم (مادر عیسی)، نامگذاری شده است و در سوره‌ای دیگری، آسیه (همسر فرعون)، برای مردان و زنان مؤمن الگو و اسوه قرار گرفته است. همین‌گونه، اولین کسی که به پیامبر ﷺ ایمان آورد، همسر بزرگوار ایشان، یعنی خدیجه الکبریٰ علیها السلام بوده است؛ اولین کسی که در تاریخ اسلام جام شهادت را نوشید، سمیه علیها السلام بود. همچنین در عرصه علم و دانش، هر کدام از ازواج مطهرات، کانون علمی و دانشگاه تربیتی برای گسترش فرهنگ ارزشمند و والای اسلامی در جامعه به شمار می‌رفتند.

اگر دوران شأن و شوکت امپراطوری روم و همچنین دوران جاهلیت عرب را بررسی نماییم و سپس آن دو دوره را با دوره درخشان اسلام مقایسه کنیم، واضح خواهد شد که فقط اسلام برای زن، عزت و ارزش داده و کرامت از دست رفته‌اش را برایش برگردانیده است.

زمانی که روم بزرگترین قدرت جهانی به شمار می‌رفت و امپراطوری وسیعی را که از اروپا آغاز و تا غرب آسیا در بر می‌گرفت، تشکیل داده بود، نظام پدرسالاری سخن اول را می‌زد. تا جایی که شوهر می‌توانست خانم خود را در صورت ارتکاب جرم، شدیداً مجازات نماید و نظام قانونمند و بشردوستانه برای بازخواست عمل

شوهر وجود نداشت. همچنین پدر می‌توانست دختر خود را مجبور به طلاق کند؛ هرچند که دخترش به جدا شدن از شوهر خود رضایت نمی‌داشت.

از سوی دیگر، دوره جاهلیت عرب را می‌توان به عنوان یکی از برجسته‌ترین دوران نقض حقوق زنان بیان کرد؛ در آن زمان چند همسری حادی نداشت و هر مرد می‌توانست همسران زیادی را در عقد ازدواج خود نگه دارد. داشتن دختر ننگ و عار به شمار می‌رفت و برخی مردم، دختران نوزاد خود را از ترس فقر، اسارت در جنگ و ننگ زنا زنده به گور می‌کردند.

این در حالیست که قرآن کریم با نزولش، حقوق بشر - به ویژه زنان - را به گونه زیبا و بدون هیچگونه کمی و کاستی قانونمند ساخته و اعلام کرد: **﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا﴾<sup>۱</sup>**.

یعنی: ای مردم! ما شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و شما را قبیله قبیله نمودیم تا همدیگر را بشناسید.

در عصر حاضر، دنیای غرب، برنامه‌های رنگارنگی را برای بی‌عزت ساختن زنان مسلمان روی کار گرفته و زنان خود را الگو و مقتدا برای زنان مسلمان معرفی می‌کنند تا حیا و پاکدامنی از جامعه اسلامی رخت بربندد و تیشه به ریشه امت اسلامی اصابت کند.

<sup>۱</sup> - سورة الحجرات، آیه ۱۳.

دنیای غرب، به اندازهٔ از انسانیت به دور شده است که برخی زنان‌شان با حیوانی ازدواج می‌کنند؛ در بستر خواب، با سگی که نجس است شب را می‌گذرانند، با این وجود می‌خواهند فرهنگ دور از سرشت و فطرت سالم انسانی را در جامعه اسلامی مروج سازند و آن را به عنوان تمدّن و پیشرفت برای مردم مسلمانان معرفی نمایند.

خواهر مسلمانم! ارزش و کمال خود را در تقلید از زنان غرب جستجو مکن و این را بدان که حجاب و حیای تو پشت دشمنان اسلام را به لرزه درآورده است. دشمن هراس دارد که اگر زن مسلمان ارزش واقعی خود را بداند و حجاب و سایر احکامات اسلام را رعایت نماید، شخصیت‌هایی همچو صلاح الدین ایوبی تربیت می‌کند.

خواهر مسلمانم! دشمن می‌داند که مادر مسلمان، مدرسه‌ای است که مجاهدین و دعوتگرانی تربیت می‌کند که با شمشیر و قلم خود پرچم اسلام را به اهتزاز در می‌آورند و نور اسلام توسط ایشان در سراسر گیتی گسترش میابد و به خانه‌های دشمنان وارد خواهد شد. دشمن اسلام که دشمن من و توسّ هیچگاه نمی‌خواهد در دامن تو شخصیت‌هایی همچو عمر بن عبدالعزیز، محمد بن اسماعیل بخاری و صلاح الدین ایوبی پرورش یابد.

خواهر مسلمانم! هوشیار باش! آنانی که در پی بی‌آبرو ساختن زنان مسلمان، هزینه‌های هنگفتی را متقبل می‌شوند و برنامه‌های طولانی مدتی را در پیش گرفته‌اند، خوب می‌دانند که شیران با شهادتی که نام نیکوی‌شان در تاریخ درخشان اسلام درج گردیده و همیشه تابان خواهند ماند، در دامن مادرانِ باحیا و با عفت مسلمان تربیت

یافته‌اند؛ آنها از تو می‌ترسند که با رعایت احکامات اسلامی، جوانانی به جامعه تقدیم خواهی کرد که برنامه‌های شان را نقش بر آب خواهند ساخت.

### مطلب دوم: حقوق زن بر شوهر

بعد از عقد ازدواج و ایجاد رابطه زناشویی، هر کدام از زن و شوهر، بر همدیگر حقوقی را پیدا می‌کنند که رعایت آن حقوق، در تداوم پیوند ازدواج نقش بسزایی دارد و می‌توان گفت که اولین گام موفقیت شخص در زندگی مشترک، در نظر گرفتن حقوق طرف مقابل است.

در شرع مبین اسلام، تمام مسائل فردی، خانوادگی و اجتماعی، به گونه واضح و رسا بیان گردیده است تا بادر نظر داشت آن، فرد اصلاح شود، نظام خانواده استوار گردد، جامعه به سوی صلح و آسایش بشتابد و در نهایت شخص به سعادت دنیوی و اخروی نایل آید.

باتوجه به تمام نعمت‌هایی که الله تعالی برای بندگان خود ارزانی داشته است، یکی از بزرگترین نعمت پروردگار، همسر صالح و نیکوکار برای مرد است و در این راستا، مرد برای اینکه سپاسگزار نعمت پروردگار بوده و قدر همسر نیکوی خود را نیز دانسته باشد، لازم است تا حقوق همسرش را رعایت کند و آن را پاس بدارد.

الله تعالی در میان زن و شوهر چنان محبت، مهربانی و آرامشی را قرار داده است که در میان هیچ دو نفر دیگر دیده نمی‌شود. برای حفظ و ثبات این محبت و مهربانی،

حقوقی را بر آنها واجب گردانیده تا با رعایت کردن آن، احترام متقابل، ریشه‌های دوستی و همچنین پیوند زناشویی پابرجا بماند. چنانکه الله ﷻ می‌فرماید: **﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَكِرُونَ﴾**<sup>۱</sup>.

یعنی: یکی از نشانه‌های قدرتِ الله متعال این است که همسرانی را از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش یابید و در میان شما محبت و مهربانی انداخت.

باید گفت؛ همانطوری که مرد بر همسر خود حقوقی دارد، زن نیز بر شوهر خویش، حقوقی دارد که رعایت کردن آن لازم می‌باشد و در اثر رعایت آن، مرد به آرامش و آسایش بیشتری دست میابد. الله ﷻ می‌فرماید: **﴿وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾**<sup>۲</sup>.

یعنی: همانگونه که شوهران بر همسران خود، حقوقی دارند که باید آنها ادا کنند، همسران نیز بر شوهران خود حقوقی دارند که باید ایشان ادا نمایند.

<sup>۱</sup> - سورة الروم، آية ۲۱.

<sup>۲</sup> سورة البقرة، آية ۲۲۸.

در حدیثی که جابر رضی الله عنه روایت کرده است پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «**أَلَا إِنَّ لَكُمْ عَلَى نِسَائِكُمْ حَقًّا وَلِنِسَائِكُمْ عَلَيْكُمْ حَقًّا**»<sup>۱</sup>.

یعنی: آگاه باشید! شما بر همسران تان حقی دارید و همسران شما بر شما حقی دارند.

برادر مسلمانان! زیندهٔ تو نیست که از ادای حقوق همسرت شانه خالی کنی؛ چه زیباست حقوقی را که همسرت بر تو دارد بشناسی و برای رعایت آن وقت بگذاری، تا شیطان فرصتی را برای ایجاد تفرقه و فروپاشی کانون خانواده نیابد.

برادر مسلمانان! اگر حقوق همسرت را ادا نکنی، چه بسا که شیطان در میان شما رخنه کند و پیوند احساسی را که در اثر ازدواج به میان آمده است، از هم جدا گرداند. این را بدان که بیشترین تلاش شیطان و یکی از بزرگترین آرزوی وی این است که در میان زن و شوهری، جدایی بیفکند. پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیثی که جابر رضی الله عنه روایت کرده است، می فرماید: ابلیس تخت خود را بر روی آب می گذارد و سپس سپاه خود را می فرستد. نزدیک ترین سپاهی نزد ابلیس کسی است که در ایجاد فتنه و آشوب بزرگترین نقش را ایفا کرده باشد. یکی از سپاهیان ابلیس نزدش میاید و می گوید: چنین و چنان کردم؛ ابلیس می گوید: کاری نکرده ای. دیگری میاید و می گوید: «**مَا تَرَكْتُهُ حَتَّى فَرَقْتُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ امْرَأَتِهِ، قَالَ: فَيُدْنِيهِ مِنْهُ وَيَقُولُ: نِعَمَ أَنْتَ**»<sup>۲</sup>.

<sup>۱</sup> السنن الکبری للنسائی، حدیث: ۹۱۲۴.

<sup>۲</sup> - صحیح مسلم، حدیث: ۷۲۸۴.



یعنی: فلانی را نگذاشتم تا اینکه در میان او و همسرش جدایی و تفرقه ایجاد کردم. رسول الله ﷺ فرمودند: ابلیس آن شیطان را به خود نزدیک کرده و برایش میگوید: تو چقدر خوب هستی.

بنابر این، مسلمان فهمیده و دانا تلاش می‌کند که حق همسرش را ادا نماید، بدون توجه به اینکه خودش حق را دریافت کرده است یا خیر؛ چون دین مبین اسلام بر تداوم محبت در میان زوجین و فرصت ندادن به شیطان برای پاشیدن بذر اختلاف و درگیری در میان آنان، توصیه کرده است.

باتوجه به آنچه بیان گردید، در ذیل حقوقی را که زن بر شوهر خود دارد به ترتیب به عرض میرسانیم تا باشد با رعایت کردن آنها، چراغ مهر و محبت در کانون خانواده ها روشن تر گردد و پیوندهای زناشویی از بی‌مهری و فروپاشی در امان بمانند:

### ۱- پرداخت مهر:

اولین حق زن بر شوهر، مهریه اوست که بعد از عقد ازدواج، مرد مکلف به پرداخت آن می‌گردد. مهر مالی است که زن به سبب ازدواج، مستحق دریافتش می‌شود. الله

ﷻ می‌فرماید: ﴿وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا﴾<sup>۱</sup>.

<sup>۱</sup> - سورة النساء، آية ۴.



یعنی: و مهریه‌های زنان را به عنوان هدیه پردازید؛ اگر با رضایت خاطر خود، چیزی از آن مهر را برای شما بخشیدند، آن را حلال و گوارا بخورید.

از نسبت دادن مهر به زن در این آیت کریمه (صَدَقَاتِهِنَّ)، به خوبی دانسته می‌شود که مهر، حق خالص زن است و او می‌تواند هرگونه بخواهد در آن تصرف نماید. متأسفانه در برخی جوامع اسلامی، از مفهوم مهر، برداشت نادرست و جدا از صراحت قرآن کریم می‌شود. عده‌ای برای اینکه شوهر بعد از ازدواج، خانم خود را طلاق داده نتواند، مهر را چند برابر افزایش می‌دهند و در عرصه پرداخت آن، شخص را کمرشکن می‌سازند و برخی دیگر مهریه زن را برایش پرداخت نمی‌کنند در حالیکه برای هیچ کسی حتی پدر و یا شوهر زن، جایز نیست که با زور و فریب، مهر او را از خود بسازد و یا حیف و میل نماید.

اما اگر زن، بنابر رضایت خود، مقداری و یا تمام مهر خود را به شخصی ببخشد، در استفاده آن گناهی نیست. چنانچه الله ﷻ می‌فرماید: **﴿فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً﴾**<sup>۱</sup>.

یعنی: اگر با زنان ازدواج کردید پس مهریه او را به عنوان واجبی از واجبات الهی پردازید و بعد از تعیین مهر گناهی بر شما نیست در آنچه که میان خود به توافق

<sup>۱</sup> - سورة النساء، آیه: ۲۴.

می‌رسید (مثلاً شوهر مشتاقانه به مقدار مهریه بيفزايد و يا خانم به رضا و رغبت خویش از مهریه خود کم کند).

گاهی زنان از طریق ارث، هدایا، وصیت و یا مزدی که از کار و شغل خود دریافت می‌کند، به اموالی دست می‌یابند، که در این صورت باید مرد از حیف و میل کردن آن اموال به طور آشکارا یا پنهانی و یا با وعده و وعید بپرهیزد و با خوردن مال همسرش، خود را با حرام آغشته نسازد.

## ۲- تهیه مخارج زندگی:

در زندگی زناسویی، دومین حق ثابت شده‌ی زن بر عهده شوهر، تأمین مخارج زندگی و پرداخت نفقه‌ای زن است که بعد از آغاز زندگی مشترک بر ذمه شوهر واجب می‌گردد. از آنجایی که زن برای تأمین مخارج زندگی خود از قبیل: خوراک، پوشاک، مسکن، دارو و سایر مایحتاج زندگی به امکاناتی نیازمند است، این حق را شریعت اسلامی به دوش شوهر گذاشته تا امکانات مورد نیاز همسر خود را آماده ساخته و هزینه زندگی او را بپردازد.

تأمین مخارج و پرداخت نفقه زن باتوجه به توان مالی شوهر یکی از حقوقی است که شوهر باید لزوماً آنرا رعایت نماید و به پرداخت آن اقدام کند. مراد از نفقه که به عنوان حق زن بر شوهر واجب می‌باشد، عبارت از مسکن، خوراک، پوشاک، دارو و سایر مایحتاج زندگی زن است.

مرد مکلف است تا مخارج زندگی همسر خود را به گونه‌ی پسندیده به عنوان یک حق شرعی و وجوبی، پردازد و در این عرصه زن نیز باید توان مالی شوهر خود را در نظر بگیرد و مخارج زندگی را بر اساس نیازمندی های اولیه، از شوهر مطالبه نماید طوری که از اسراف و ریخت و پاش به دور باشد. الله ﷻ می‌فرماید: **﴿لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ﴾**<sup>۱</sup>.

یعنی: آنانی که توانگر هستند باید از دارایی خود خرج کنند و کسی که تنگدست است از چیزی که الله برای‌شان داده است خرج کنند.

چه بسا مردانی هستند که در حساب بانکی خود، به اندازه‌ی کافی پول دارند، برای خودنمایی به دوستان و آشنایان خود، مصارف هنگفتی را متقبل می‌شوند اما حاضر نیستند که با جبین باز نفقه همسر خود را که پرداخت آن، حق واجب بر عهده آنان است پردازند. از أم المؤمنین عایشه رضی الله عنها روایت است که هند دختر عتبه رضی الله عنها نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: یا رسول الله! ابو سفیان مرد بخیلی است و نفقه را که برای من و فرزندانم کافی باشد نمی‌دهد مگر اینکه من بدون اینکه او بداند از مالش بردارم. آیا در این کار گناهی است؟ پیامبر ﷺ فرمودند: **«خُذِي مِنْ مَالِهِ بِالْمَعْرُوفِ مَا يَكْفِيكِ وَيَكْفِي بَنِيكَ»**<sup>۲</sup>.

یعنی: از مالش به اندازه‌ای که برای تو و بچه‌هایت کافی باشد بردار.

<sup>۱</sup> سورة الطلاق، آیه ۷.

<sup>۲</sup> - صحیح مسلم، حدیث: ۴۵۷۴.

از سوی دیگر، چه بسا خانم‌های هستند که بدون درنظر داشت توان مالی شوهر، اصرار به خرید اشیاء و لوازمی می‌کنند که هیچ گونه اولویتی در زندگی‌شان ندارد و برای اینکه پیش دیگران خودنمایی کنند و به گمان خود زیبا جلوه یابند، شوهر خود را مجبور به خرید وسایل غیر ضروری می‌کنند و اگر چنانچه شوهر، این پیشنهادشان را بنابر تنگدستی نپذیرد، آرامش خانه را به هم می‌زنند. در حالی که باید تعادل را در نظر گرفت و به قدر درآمد، خرج کرد. چون امکانات مالی همه انسان‌ها یکسان نیست و همه نمی‌توانند در یک سطح زندگی کنند. هر خانواده باید بر اساس درآمدشان خرج کنند.

خواهر محترمه! تو فهمیده و عاقبت اندیش باش، چشم و هم‌چشمی‌ها را کنار بگذار و اگر خانمی را با لباس قیمتی دیدی، شوهرت را به تهیه آن وادار مکن، اگر در خانه همسایه یا خویشاوندان وسیله لوکس و گرانبه دیدی به شوهرت اصرار مکن که هر طور شده آن را تهیه کند، اگر کسی از خویشاوندان فرش و ظرف زیبا دارد، لازم نیست خود را به سختی بیاندازد تا مانند آن را تهیه کنی.

از طرف دیگر، مرد نیز مکلف است که نفقه همسر خود را به اندازه توان مالی و بادر نظر داشت نیازمندی‌های اولیه پردازد و در خرج کردن به فامیل خود به اندازه توان، بخیل نباشد.

در حدیثی که جابر رضی الله عنه روایت کرده است، پیامبر صلی الله علیه و آله در حجة الوداع فرمودند:

«أَلَا إِنَّ لَكُمْ عَلَى نِسَائِكُمْ حَقًّا، وَلِنِسَائِكُمْ عَلَيْكُمْ حَقًّا، فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَى

نِسَائِكُمْ فَلَا يُوطِئْنَ فُرُشَكُمْ مَنْ تَكْرَهُونَ، وَلَا يَأْذَنَنَّ فِي بُيُوتِكُمْ لِمَنْ تَكْرَهُونَ، أَلَّا وَحَقُّهُنَّ عَلَيْكُمْ أَنْ تُحْسِنُوا إِلَيْهِنَّ فِي كِسْوَتِهِنَّ وَطَعَامِهِنَّ<sup>۱</sup>.

یعنی: بدانید که شما بر همسران تان حق دارید و همسران تان بر شما حق دارند. حق شما بر همسران تان این است که بر فرش شما کسانی را نشانند که از آنها بدتان می آید و به خانه تان به کسی اجازه ندهند که شما از آنان متنفرید. آگاه باشید که حق آنان بر شما این است که به خوبی پوشاک و غذای آنها را تهیه کنید.

### ۳- خوش رفتاری کردن:

تعامل و رفتار زن و شوهر در برابر همدیگر، باید بر مبنای انصاف، خوش رفتاری، مهربانی، عطف و مهرورزی شکل گیرد تا آرامش بر فضای خانه سیطره یابد و پیوند زناشویی در مسیر صمیمیت پیش رود. خوش رفتاری به این معناست که مرد به همسرش هیچگونه آزار جسمی و روحی نرساند، با رفتار پسندیده، تعامل نیکو بوده و دور از پرخاشگری با او حرف بزند.

هر چند که از لحاظ اخلاقی خوش رفتاری و تعامل نیک، همانطوری که وظیفه مرد است وظیفه زن نیز به شمار می رود تا حفظ و ثبات کانون گرم خانواده از جانب هر کدام از مرد و زن پاسداری گردد و برای ایجاد صمیمیت و تداوم مهرورزی، تلاش دو جانبه صورت گیرد. اما با این وجود، دین مقدس اسلام خوش رفتاری را مکلفیت مرد و حق زن قرار داده است به این شرط که زن نیز در ایجاد فضای صمیمیت و

<sup>۱</sup> - سنن ابن ماجه، حدیث: ۱۸۵۱.

فراهم کردن اسباب خوش رفتاری با شوهر خود همکار باشد. الله ﷻ خطاب به مردان می فرماید: **﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾**<sup>۱</sup>.

یعنی: با زنان خود به طور شایسته رفتار کنید.

متأسفانه، یکی از مفسد اخلاقی که امروزه در میان برخی از خانواده‌های مسلمان رواج یافته است، بدزبانی و بدگویی در میان همسران است. اهانت به همسر و ایراد گرفتن از وضعیت جسمانی او و خانواده اش، دشنام دادن و صدا کردن وی با الفاظ زشت و همچنین اظهار تنفر، از جمله مواردی است که امروزه در خانواده های مسلمان دیده می شود.

خوش رفتاری مرد در برابر همسرش، یکی از حقوقی است که شریعت اسلامی برای زن بیان کرده است؛ با این وجود، زن نیز مکلفیت اخلاقی و شرعی دارد که با بهانه گیری های بی مورد، دانسته و یا ندانسته و با استدلالهای ناموجه، فضای خانه را بر شوهر تنگ نسازد و آرامشی را که الله متعال در میان زن و شوهر قرار داده است، به کدورت تبدیل نگرداند.

یکی از اصول اساسی در زندگی زنashویی و همچنین معیار شناخت تکامل دینی و اخلاقی شخص، تعامل نیک و خوش رفتاری با همسر و خانواده است. چنانچه به

<sup>۱</sup> - سورة النساء، آیه ۱۹.

روایت أم المؤمنین عایشه رضی الله عنها، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «**خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي**»<sup>۱</sup>.

یعنی: بهترین شما کسی است که با خانواده خود بهتر از دیگران باشد و من بهترین شما برای خانواده خود هستم.

برادر عزیز! برای استوار نگه داشتن نظام خانواده و ایجاد آرامش در فضای خانه، از همسر خود حمایت کن، به علاقش توجه داشته باش و برای برآورده ساختن نیازهای مشروعش تلاش نما.

خانمی که بعد از ازدواج به هدف تشکیل خانواده و زیستن با شوهر خود، از کنار خانواده دور شده است که سالهای طولانی را با آنها در ناز و نعمت سپری کرده و با رسوم و عادات فامیلی آن خانواده آشنا بوده؛ حالا بر تو شوهر، لازم است که با ملایمت و عطف و مهربانی با او تعامل نمایی؛ چون بعد از حقوق الله تعالی، حقوق پیامبر صلی الله علیه و آله و حقوق والدین، بزرگترین حق را همسرت بر تو دارد و باید به گونه زیبا و پسندیده حقوق همسر خود را اجرا نمایی.

#### ۴- صبر در برابر اذیت و آزار:

صبر و بردباری در برابر بدزبانی همسر، نیز یکی از مهمترین مواردی به شمار می رود که در پایدار ماندن پیوند زنشویی، نقش بسزایی دارد. بدزبانی و یا رفتار ناپسند زن، چه بسا که مرد را به عکس العمل وادار کند اما پیوسته دین مقدس اسلام مرد را به

<sup>۱</sup> - سنن الترمذی، حدیث: ۳۸۹۵.



گذشت و چشم پوشی سفارش و توصیه کرده است تا زندگی مشترک، در اثر حرفها و رفتار زنده‌ای یکی از طرفین به تلخی و سردی نگراید.

بنابر این، لازم است که مرد، در همه حال با همسر خود مدارا کرده و خوش زبان و نرم‌خو باشد و این حقی است که همسر بر شوهر خویش دارد. الله ﷻ می‌فرماید:

**﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا﴾<sup>۱</sup>**

یعنی: با زنان خود به طور شایسته رفتار کنید و اگر از آنان خوششان نیامد، بدانید که چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید ولی الله در آن خیر فراوانی قرار داده است.

تحمل کردن بدزبانی‌ها، بدرفتاری‌ها و ناسازگاری‌های زن، بنابر آیت کریمه، دارای خیر فراوانی می‌باشد و خیر فراوان به مفهوم اجر در صبر بر معاشرت و رفتار نیکوست.

در حدیثی که ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَا يَفْرُقُ مُؤْمِنٌ مُؤْمِنَةً، إِنْ كَرِهَ مِنْهَا خُلُقًا رَضِيَ مِنْهَا آخَرَ»<sup>۲</sup>.

یعنی: هیچ مرد مؤمنی از زن مؤمنی متنفر نباشد؛ چون اگر یک رفتارش را نپسندد رفتار دیگرش را می‌پسندد.

<sup>۱</sup> - سورة النساء، آية ۱۹.

<sup>۲</sup> - صحيح مسلم، حديث: ۳۷۲۱.



امام محمد غزالی رحمته الله در کتاب ارزشمند خود «احیاء علوم الدین» می‌گوید:  
**«وَأَعْلَمُ أَنَّهُ لَيْسَ حُسْنُ الْخُلُقِ مَعَهَا كَفَّ الْأَذَى عَنْهَا بَلْ اخْتِمَالُ الْأَذَى مِنْهَا  
 وَالْحِلْمُ عِنْدَ طَيْشِهَا وَغَضَبِهَا اقْتِدَاءً بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»<sup>۱</sup>.**

یعنی: بدان که رفتار نیک با زن فقط آزار نرساندن به او نیست؛ بلکه به این مفهوم است که به پیروی از پیامبر صلی الله علیه و آله که اذیت و آزار همسران خود را تحمل می‌کرد، باید در برابر خشم و سبک مغزی‌شان صبر کنیم.

## ۵- آموزش علم دین:

حق دیگری که زن بر شوهر خود دارد این است که زمینه آموختن ضروریات دین را برایش مهیا سازد. هر مسلمانی چه مرد و چه زن باید احکام ضروری دین خود را از قبیل: اصول دین، ارکان ایمان و احکام عبادات به ویژه نماز را بیاموزد و این مکلفیت شوهر است که زمینه آموزش همسر خود را فراهم نماید.

از مالک بن حویرث رحمته الله روایت است که می‌گوید: ما جوانان همسن و سال بودیم که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدیم و بیست شب در نزد ایشان اقامت کردیم. پیامبر صلی الله علیه و آله از مهربانی‌شان گمان کردند که ما مشتاق دیدار خانواده خود شده‌ایم و از حال افراد خانواده‌ای ما جويا شدند و ما به ایشان خبر دادیم. بعدا پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

<sup>۱</sup> - احیاء علوم الدین، غزالی، ج ۲ ص ۴۳

«اِزْجُوا إِلَىٰ أَهْلِكُمْ فَاقِيمُوا فِيهِمْ وَعَلِّمُوهُمْ وَمُرُوهُمْ إِذَا حَضَرْتَ الصَّلَاةَ فَلْيُوْذَنْ لَكُمْ أَحَدَكُمْ ثُمَّ لِيُوْثِقْكُمْ أَكْبَرَكُمْ»<sup>۱</sup>.

یعنی: به نزد خانواده‌های خود برگردید و نزد آنها اقامت کنید و برای آنها بیاموزید و به آنها امر کنید که چون وقت نماز فرا برسد، باید یکی از شما اذان دهد و بزرگتر شما امامت شما را به عهده گیرد.

شوهر وظیفه شناس، کسی نیست که فقط مادیات را در نظر گیرد و نفقه همسر و فرزندان خود را پرداخت کند، بلکه کسی است که ضمن پرداخت نفقه و مخارج زندگی همسر و فرزندان خود، باید زمینه تربیت و آموزش سالم را نیز برای ایشان فراهم نماید. شوهر در عرصه امور دینی همسر و سایر اعضای فامیل خود بازخواست می‌شود و باید به این امر مهم، توجه نماید. الله ﷻ می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا**<sup>۲</sup>.

یعنی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتش نگه دارید.

علامه آلوسی رحمته الله می‌فرماید: **«يَجِبُ عَلَى الرَّجُلِ تَعَلُّمُ مَا يَجِبُ مِنَ الْفَرَائِضِ وَتَعْلِيمِهِ لَهُوَلَاءِ»**<sup>۳</sup>.

۱- مسند احمد، حدیث: ۱۵۵۹۸.

۲- سورة التحريم، آیه: ۶.

۳- روح المعانی، ج ۲۸ ص ۱۵۶.

یعنی: بر مرد واجب است آنچه را که فرض است، بیاموزد و به خانوادهٔ خود آموزش دهد.

برادر محترم! در حدود شرایط و امکاناتی که برای میسر است شخصیت عالیتري را برای همسرت در نظر بگیر و زمینهٔ آموزش علم دین را برایش فراهم بساز. با مطالعهٔ کتاب نه تنها مخالفت مکن بلکه تشویق و تحسینش کن، سعی کن اسباب آسایش را برای همسرت که حق دینی و اخلاقی بر ذمهٔ تو دارد فراهم سازی تا با فکر آزاد مطالعه کند و به آموخته های خویش بیفزاید.

اگر همسرت سواد ندارد، قناعتش ده تا در فضایی که مناسب و موافق با شرایط اسلام باشد، به آموزش پردازد تا بتواند کتاب هایی علوم دینی را مطالعه کند و زمانی را برای تلاوت قرآن کریم اختصاص دهد. اگر برنامهٔ درست و منظم برای یادگیری- اش تنظیم کنی، خانم فاضل و آگاهی خواهد شد که خودش سربلند و تو، به وجودش مفتخر خواهی گردید.

مگذار همسرت از مسیر علم و دانش منحرف شود و از مطالعهٔ کتابهای سودمند دست بردارد. چون همسرت مربی فرزندان است و باید خودش از دین و مفاهیم کلی اسلام بیاموزد تا فرزندان تو را طبق آموزه های اسلام تربیت و پرورش دهد.

## ۶- آماده ساختن غذای حلال:

تهیه کردن غذای حلال برای همسر و فرزندان، در نحوهٔ تربیت فرزندان تأثیر گذار بوده و غذای حلال، در محور تربیت اسلامی فرزندان، نقش بسزایی دارد.

حرام مانند بیماری ای است که گاهی برخی افراد، خواسته یا ناخواسته به آن دچار می شوند و کسانی که سروکارشان با حرام و امور ناجایز باشد، به این بیماری مبتلا می گردند. چه بسا مردانی هستند که پروایی ندارند از کدام منبع و با چه روشی غذای مورد نیاز خانواده خویش را تهیه نمایند. به روایت ابوهریره رضی الله عنه، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ مَا يُبَالِي الرَّجُلُ مِنْ أَيْنَ أَصَابَ الْمَالُ مِنْ حَلَالٍ أَوْ حَرَامٍ»<sup>۱</sup>.

یعنی: بر سر مردم زمانی می آید که یک مرد هیچ پروایی نخواهد داشت که مال را از کجا بدست آورده است؛ از راه حلال و یا حرام.

باید خاطر نشان کرد که این حق مسلم زن است تا شوهر خود را مورد بازخواست قرار دهد و از او پرس و جو کند که غذایی که آماده کرده یا پولی که بدست آورده از منبع حلال است یا به حرام. روایت کعب بن عُجره رضی الله عنه، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «يَا كَعْبُ بْنُ عُجْرَةَ، إِنَّهُ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ لَحْمٌ وَدَّمَ نَبْتًا عَلَى سَحْتٍ، النَّارُ أُولَى بِهِ»<sup>۲</sup>.

یعنی: ای کعب بن عجره! قطعاً گوشت و خونی که با مال حرام رشد کرده و پرورش یافته باشد، به بهشت داخل نمی شود و استحقاق آتش را دارد.

با توجه به توضیحاتی که ارائه گردید، اگر -خدای ناخواسته- زنی در اثر بی خبری، نفقه‌ی حرام را از شوهر خود بدست بیاورد به چه نتیجه‌ی می توان دست

<sup>۱</sup> - سنن النسائی، حدیث: ۴۴۵۴.

<sup>۲</sup> - صحیح ابن حبان، حدیث: ۵۵۶۷.

یافت؟ معلوم است؛ بیماری حرام خوری به شالوده خانواده سرایت می‌کند و فرزندان نیز به حرام خوری آمیخته می‌شوند و در نتیجه، گوهر بارزش پاک زیستن به باد فنا می‌رود.

روی همین ملحوظ، خوشا به حال زنی که شوهر خود را در مورد غذایی که تهیه کرده یا پولی که بدست آورده است، بازخواست می‌کند و می‌کوشد تا گوهر خانواده از حرام خوری به دور بماند و اعضای خانواده از افتادن در ورطه حرام در امان باشند.

یکی از دوستانم می‌گفت: در یکی از روزهای عید بخاطر دیدار دوستان و تبریکی عید، به خانه‌های دوستانم رفتم و بعد از دیدو بازدید با آنها، مقداری میوه خشک را نیز در جیب خود انداخته و بیرون شدم. تا اینکه عصرهنگام به خانه خود برگشتم. وقتی به خانه رسیدم آن میوه‌ها را به همسرم تقدیم کردم و گفتم: از آنجایی که در خانه نشسته بودی و جای نرفتی، بناءً اینها سهمیه توست.

همسرم برایم گفت: من باردار هستم و نمی‌دانم که آیا این میوه‌های خشک را با اجازه صاحب‌خانه برداشته‌ای یا بدون اجازه؛ همچنین برایم معلوم نیست که صاحب‌خانه این میوه‌های خشک را با پول حلال تهیه کرده و در سفره چیده است یا با پول حرام. بناءً نمی‌خواهم جبینی که در شکم دارم، بوی از حرام به وی برسد.

#### ۷- حمایت در برابر آسیب‌ها:

شوهر مکلف است تا فضای امن و به دور از هرگونه تهدید جانی، مالی و دینی را برای خانم خود آماده سازد. این حق خانم است که شوهرش زمینه امنیت او را فراهم

سازد و از هر آنچه که جانش را تهدید می‌کند، مالش را در معرض نابودی قرار می‌دهد، دین او را فاسد می‌سازد و یا حیای او را خدشه دار می‌سازد، او را دور گردانند.

به روایت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «وَالرَّجُلُ رَاعٍ فِي أَهْلِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»<sup>۱</sup>.

یعنی: مرد مسئول خانواده خویش می‌باشد و در مورد زیردستانش بازخواست می‌شود.

از علامه ابن تیمیه رحمته الله علیه در مورد مردی پرسیده شد که بخاطر تفریح و خوشگذرانی، همسر خود را به جاهای فساد می‌برد و با بدکاران نشست و برخاست می‌کند و چون به آن مرد گفته شود: همسر خود را به جاهای فساد نبر؛ می‌گوید: من شوهرش هستم و اجازه این را دارم به هر جایی که بخواهم او را با خود ببرم. سوال این است که آیا این مرد چنین حقی را دارد؟

ابن تیمیه رحمته الله علیه بعد از ثنا و ستایش الله تعالی، در پاسخ عرض کرد: شوهر این اجازه را ندارد که همسرش را در هر جایی که بخواهد سکونت دهد و به هر جایی ببرد. بلکه مکلف است که در جایی شایسته و مناسب به شأن همسرش، او را سکونت دهد و نباید او را همراه خود به نزد بدکاران ببرد اگر چنانچه مرد، همسر خود را به جاهای فساد ببرد، دو نوع مجازات بر وی حکم می‌گردد تا او از کار خود دست بکشد و دیگران نیز پند بگیرند: یکی بخاطر اینکه خودش مرتکب کار زشتی شده و

<sup>۱</sup> - سنن أبی داود، حدیث: ۲۹۲۸.

به جاهای فساد رفته است و دیگر بخاطر اینکه همسر خود را حفاظت نکرده و به جاهای فجور برده است.<sup>۱</sup>

### ۸- گمان نیک داشتن:

نظام خانواده، بر مبنای اعتماد، درک متقابل و پذیرش همدیگر بنا شده است و هیچ کدام از زن و شوهر حق این را ندارند که در جستجوی عیب دیگری باشند. چون اگر هر کدام از زن و شوهر، به عیبجویی دیگری پردازند، چه بسا که رابطه آن دو، به سردی گراید، تنفر عمیقی در میان به وجود آید و باعث جدایی و فروپاشی کانون خانواده گردد.

در این میان اگر چنانچه شوهر، زمینه بدگمانی در قبال همسر خود را آماده سازد و وقتی که از خانه بیرون می رود، به گونه همسر خود را تحت مراقبت قرار دهد، شیطان رخنه می کند و به عینک بدگمانی که مرد آن را بر چشم خود گذاشته، معایب زیادی را برایش نمایش می دهد تا گوهر ارزشمند نظام خانواده فرو بپاشد.

حق مسلم زن است که از سوی شوهرش بر وی اعتماد کامل صورت گیرد و فضای خانه برایش به عنوان جایگاه امن و دور از چشم دید دیگران آماده شود.

دین مقدس اسلام، برای اینکه تمام راه های بدگمانی شوهر را مسدود سازد و مانع بدگمانی مرد در مورد همسرش گردد، رهنمودهای فراوانی بیان کرده است تا جاییکه شوهر مسافر را از آمدن شب هنگام و بدون خبرداری قبلی، به خانه خویش منع کرده

۱- مجموعه الفتاوی، ج: ۳۲، ص: ۲۶۴.



است. از جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت است که می گوید: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يَطْرُقَ الرَّجُلُ أَهْلَهُ لَيْلًا يَتَحَوَّنُهُمْ، أَوْ يَلْتَمِسُ عَثْرَاتِهِمْ»<sup>۱</sup>.

یعنی: پیامبر صلی الله علیه و آله منع کردند از اینکه کسی از طرف شب، غرض جستجو کردن خیانت و یا لغزش های اعضای خانواده، به صورت ناگهانی وارد خانه اش شود.

بنابر این، حق زن است که از زمان آمدن شوهرش به خانه، به گونه که ممکن است، خبردار شود تا هم فرصت بدگمانی شوهر در موردش دور گردد، هم خود را برای شوهرش آرایش کند و هم خانه را برای اینکه به چشم شوهرش زیبا جلوه یابد، مرتب گرداند.

برخی مردها به حدّی مراقب همسرشان می باشند که متاسفانه به بیماری بدگمانی و سوء ظن مبتلا می شوند. طوری که بی جهت در مورد همسر خود بدبین می شوند و درباره آنها احتمال خیانت می دهند.

وقتی مرد دچار بیماری بدبینی شود، زندگی را به کام خود و خانواده اش تلخ می سازد، بهانه جویی می کند و اعمال و حرکات همسرش را به نظر بد می بیند تا جایی که آب خوش نه از گلی او پایین می رود و نه هم می گذارد همسرش در خانه، آسوده باشد و مانند سایه او را تعقیب می کند، چون وقتی بدگمان است می خواهد از در و دیوار شاهد و قرینه در مورد خیانت همسرش پیدا کند. مرد باید در میان مراقبت از همسر در برابر آسیب ها و تعقیب او بخاطر بدگمانی هایش فرق بگذارد

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، حدیث: ۵۰۷۸.



و این دو را از همدیگر جدا سازد. مسئولیت مرد است که از خانم خود در برابر مشکلات و آسیب‌های جسمی، مالی و روانی حفاظت کند اما به این معنا نیست که او باید مانند سایه در هر گوشه و کنار، خانم خود را تعقیب و عیبجویی کند که این کار از شهامت و مردانگی مرد به دور شمرده می‌شود.

برادر عزیز! از بدگمانی در مورد همسرت دست بردار و مانند یک قاضی عادل، ادله و شواهد خیانت همسرت را با دقت بررسی کن که آیا قطعی هستند یا فقط ناشی از وهم و خیال خودت نشأت گرفته است؟

من نمی‌گویم که بی پروا و بی غیرت باش؛ بلکه می‌گویم: به هر چیز به اندازه خودش واکنش نشان بده و به هر دلیلی به اندازه دلالتش ترتیب اثر بده نه کم که بی پروا باشی و نه زیاد که ظلم کنی. وسوسه‌های شیطانی را در فکر خود مپروران و توهمات بیجا را سبب برای تنگ کردن زندگی بر خود و خانواده ات قرار مده.

## ۹- احترام و بزرگ داشتن:

هر کسی به شخصیت خود علاقه مند است و می‌خواهد دیگران به او احترام بگذارند و از توهین کنندگان بدش می‌آید.

در زندگی مشترک زن و شوهر، احترام و بزرگ داشتن همسر، جایگاه مهمی را در تداوم پیوند زناشویی همراه با آرامش داشته و یکی از حقوقی است که زن بر شوهر خویش دارد. متأسفانه برخی مردان این حریم را نقض کرده و با همسر خود به عنوان زیردست و خدمتکار رفتار می‌کنند؛ بناءً این حق را جزو حقوق زن بر مرد برشمردیم.

احترام شوهر به همسر و فامیل همسرش، بر سرنوشت آینده زناشویی آنها بسیار تاثیر گذار است. خانم دوست دارد که شوهرش با والدین، برادران و سایر بستگانش رفتار نیک و مناسب داشته باشد. این عمل نیکو و برخورد زیبا، سبب تقویت هرچه بیشتر روابط زن و شوهر و باعث از بین رفتن کدورت ها می گردد.

همانطوری که زن مکلف به احترام برای شوهرش است، مرد نیز مکلف است تا به عنوان یکی از حقوق همسرش، به او احترام بگذارد، شخصیت و جایگاه خانوادگی و اجتماعی او را حفظ نماید، از او تعریف کند و بزرگش بدارد و اقدام به توهین به خصوص در نزد خانواده اش نکند. اگر مرد، این نکات را رعایت نماید، محبت و دوستی در میان شان افزایش یافته و کدورتی در میان باقی نمی ماند و در نتیجه، آرامش الهی بر فضای خانه سیطره میابد.

برادر عزیز! با خانمی که ازدواج کردی، این ازدواج به معنای بهره کشی از او نیست و خانم به عنوان کنیز یا خدمتکار به خانه تو نیامده که سزاوار سرزنش یا لت و کوب باشد؛ بلکه هر کدام شما تکمیل کننده همدیگر هستید. بنابر این، دشنام دادن، لت و کوب کردن و سرزنش کردن با کلمات زشت و ناپسند، کاری بسا زشتی بوده که شایسته مسلمان نیست خود را به آن بیالاید.

در حدیثی که عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت کرده است پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

«لَيْسَ الْمُؤْمِنُ بِالطَّعَّانِ وَلَا اللَّعَّانِ وَلَا الْفَاحِشِ وَلَا الْبَذِيءِ»<sup>۱</sup>.

۱- سنن الترمذی، حدیث: ۱۹۷۷.

یعنی: انسان مؤمن، بد دهن، نفرین کننده، بدگفتار و ناسزاگویی نیست.

خوش اخلاقی فقط به این معنا نیست که مرد به همسرش دشنام ندهد و یا او را لت و کوب نکند، بلکه برنشمردن خطاها، چشم پوشی از اشتباهات و تحمل اذیت و آزار او نیز از جمله اخلاق حسنه به شمار می‌رود.

### ۱۰- عدالت در میان خانمها:

اسلام دینی است که با سرشت انسان سازگار است و با واقعیت‌های فردی، فAMILIARY و اجتماعی طوری برخورد می‌نماید که از افراط و یا تفریط به دور باشد و همچنین اجرای عدالت، در هر بخشی از زندگی رعایت گردد تا نابسامانی‌ها از روابط دور گردد و انسان در فضای امن و آسایش زندگی کند.

در مسئله تعدد ازواج، مرد حق ندارد با بیش از چهار زن، ازدواج نماید. وقتی مردی به نام غیلان ثقفی رضی الله عنه به دین مقدس اسلام مشرف شد، پیامبر صلی الله علیه و آله برایش فرمود: «إِخْتَرْ مِنْهُنَّ أَرْبَعًا وَطَلِّقْ سَائِرَهُنَّ»<sup>۱</sup>. یعنی: چهار نفرشان را انتخاب کن و بقیه را طلاق ده. همچنین الله تعالی می‌فرماید: «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً»<sup>۲</sup>.

۱- السنن الکبری للبیہقی، حدیث: ۱۴۰۴۷.

۲- سورة النساء، آی: ۳.

یعنی: اگر از بی عدالتی با یتیمان می ترسید (از این هم بترسید که در میان همسران خود عدالت نکنید و دچار گناه بزرگی شوید؛ اما وقتی که به خود اطمینان داشته باشید که در میان همسران خود عدالت کرده می توانید) پس با زنانی که برای شما حلال است و دوست دارید با دو یا سه یا چهار تا ازدواج کنید. اگر ترسیدید که در میان همسران خود عدالت کرده نمی توانید، پس به یک زن اکتفاء کنید.

باید در نظر داشت که آیت کریمه فوق، یکی از شرایط جواز تعدد ازواج را، عدالت می داند. کسی که عدالت و انصاف را رعایت نمی کند و از احکام تعدد ازواج استفاده کرده و با بیش از یک خانم ازدواج می کند، بر این آیت کریمه، عمل نکرده است.

دین مقدس اسلام، یکی از حقوق زن را تحت عنوان (عدالت مرد در میان همسرانش) بیان کرده است؛ حقی که رعایت نکردن آن، نابسامانی و اختلافات خانمانسوز را در فضای خانواده ایجاد می کند و باعث می گردد که همسر شخص به مرور زمان، از شوهر خود احساس نفرت نماید.

مردی که بیش از یک همسر دارد به عنوان یک مکلفیت شرعی و حق ثابت شده هر یک از همسرانش، باید عدالت را در مسکن، خوراک، پوشاک و سایر امور زندگی رعایت نماید. اما اگر یکی از همسرانش از حق خود منصرف شود و آن را به انباغ خود ببخشد در این صورت بر مرد، گناهی نیست. به عنوان مثال: مردی که دارای دو همسر است و یکی از همسرانش بنابر هر دلیلی، از حق خود صرف نظر نماید و به

شوهر خود بگوید که من از حق شب گذرانی خودم منصرف می شوم و می توانی شب را در نزد همسر دیگری، سپری نمایی؛ در این صورت بر مرد گناهی نیست که با توجه به اجازه همسرش، شب را در نزد همسر دیگری سپری نماید. همانطوری که یکی از همسران پیامبر ﷺ به نام سوده بنت زمعه رضی الله عنها، از حق خود منصرف شده و شب گذرانی پیامبر ﷺ را به أم المؤمنین، عایشه رضی الله عنها بخشید تا خودش همچنان افتخار بودن در قید نکاح پیامبر ﷺ و اینکه یکی از ازواج مطهرات است را داشته باشد.

چه بسا مردانی هستند که به نیازمندی های یکی از همسران خود چنان توجه و رسیدگی می کنند که گویی فقط همین همسرش بر وی حق دینی و اخلاقی دارد و در حالیکه همسر دیگری با وضعیت بدی زندگی خود را سپری کرده و شب و روز را با امیدواری به گشایشی از جانب الله تعالی می گذراند.

به روایت ابو هریره رضی الله عنه پیامبر ﷺ فرمودند: «مَنْ كَانَتْ لَهُ امْرَأَتَانِ فَمَالَ إِلَى إِحْدَاهُمَا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَشَقُّهُ مَائِلٌ»<sup>۱</sup>.

یعنی: کسی که دوزن داشته باشد و به یکی از آنها، بیشتر از دیگری توجه و رسیدگی کند، روز قیامت در حالی میاید که یک طرفش کج است.

این پذیرفتنیست که تمایل قلبی یک مرد در برابر یکی از همسرانش بیشتر از دیگر همسران او خواهد بود؛ باین وجود آنچه که شریعت اسلامی از مرد خواسته و آن را

<sup>۱</sup> - سنن أبی داود، حدیث: ۲۱۳۵.

به عنوان حق ثابت شده زن قلمداد کرده است، عدالت ظاهری و رفتاری است که مرد بر انجام آن توانایی دارد. اما محبت و تمایل قلبی در اختیار انسان نیست و هیچ کس توان این را ندارد که همه همسران خود را به گونه همسان و یکنواخت دوست داشته باشد. أم المؤمنین عایشه رضی اللہ عنہا روایت می کند که پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم اوقاتش را به نوبت در میان همسران خود تقسیم می کرد و می فرمود: «اللَّهُمَّ هَذَا قَسْمِي فِيمَا أَمْلِكُ، فَلَا تَلْمَنِي فِيمَا تَمْلِكُ وَلَا أَمْلِكُ»<sup>۱</sup>.

یعنی: بارالها! این تقسیم من در چیزی است که من مالک آن هستم؛ پس در چیزی که تو مالک آن هستی (یعنی محبت قلبی) و من مالک آن نیستم، مرا ملامت مکن.

بنابر این، بر هر مردی که دارای چند همسر می باشد، لازم است که حق هیچکدام از همسران خود را پایمال نکند و در آنچه که از عهده او برمیاید از قبیل: نوبت شب گذراندن و رسیدگی به مایحتاج زندگی هر کدام از همسرانش، به طور یکسان و دور از تبعیض، عدالت را رعایت نماید.

<sup>۱</sup> - سنن الدارمی، حدیث: ۲۲۵۳.

## مبحث دوم: مسئولیت‌های زن

### مطلب اول: جایگاه مرد در خانواده

دین مقدس اسلام، شوهر را سرپرست و مسئول همه مسائل و موضوعات اخلاقی، فردی، اجتماعی و اقتصادی همسر و فرزند، دانسته و بخاطر اینکه وجود وی در تشکیل و استواری خانواده، نقش مهمی را ایفا می‌کند برایش حقوق و امتیازات خاصی در نظر گرفته است.

الله متعال با بیان این فرموده‌اش: **﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ﴾**<sup>۱</sup>. شوهر را سرپرست خانواده معرفی کرده و وظایف سنگین و دشواری را بر عهده وی گذاشته است. شوهر است که با تدبیر و مدیریت سالم، می‌تواند خانواده خویش را به بهترین شکل اداره و زمینه رشد و رسیدن به سعادت را برایشان آماده سازد و هم اوست که در اثر غفلت، کم کاری و عدم مدیریت، خانواده خویش را به پرتگاه اخلاقی، دینی و اقتصادی مواجه می‌سازد.

همانگونه که زن، وقتی خانه را برای ورود شوهرش به مکان آسوده و راحتی تبدیل می‌کند قابل ستایش است، همچنین وقتی شوهر، بخاطر برآورده ساختن نیازمندی‌های مشروع اعضای فامیل، زحمت می‌کشد تا زندگی‌شان به خوبی پیش برود و خود را در قبال همه اعضای فامیل مسئول می‌داند، قابل تحسین و ستایش است.

۱- سورة النساء، آیه: ۳۴.



همانطوری که مرد مکلف به رعایت حقوقی در برابر زن است، زن نیز دارای مکلفیت‌هایی در برابر شوهر خود می‌باشد که ادای آن حقوق، به نیکبختی او و سلامتی جامعه می‌انجامد و سرباز زدن از آن حقوق، نتایج خانمان‌سوز و عواقب آسایش ستیزی را به ارمغان می‌آورد.

همچنانکه رعایت نکردن حقوق زن از جانب شوهر، به دلسردی و پدیدار شدن حفره‌های کدورت و سست شدن پایه‌های زندگی مشترک می‌انجامد، همانطور اگر زن حقوق شوهرش را در نظر نگیرد و پاس ندارد، چه بسا که با گذشت زمان، ارتباط زناشویی و صمیمیت ناشی از پیوند ازدواج که در میان‌شان است، به سردی گراید و کانون مهر و محبت‌شان، به خاکستری فاقد نور و گرما تبدیل گردد.

شوهر بر خانم خود، حقوقی زیادی دارد و اهمیت آن را پیامبر ﷺ در حدیث مبارک بیان کرده است. چنانچه به روایت ابو سعید خدری رضی الله عنه پیامبر ﷺ فرمودند: **«حَقُّ الزَّوْجِ عَلَى زَوْجَتِهِ، أَنْ لَوْ كَانَتْ قَرْحَةً فَلَحَسَتْهَا مَا أَدَّتْ حَقَّهُ»<sup>۱</sup>.**

یعنی: حق شوهر بر همسرش آنقدر است که اگر چنانچه زخمی بر شوهرش باشد و آنرا با زبانش پاک کند باز هم حق او را ادا نکرده است.

شوهرداری یعنی مواظبت و رعایت حقوق شوهر، کار آسانی نیست که هر زن بی‌لیاقت بتواند از عهده اش برآید بلکه خانمی می‌تواند از عهده این مسئولیت بزرگ

<sup>۱</sup> - صحیح ابن حبان، حدیث: ۴۱۶۴.



برآید که زیرک و هوشیار باشد و اولویات زندگی را در نظر بگیرد. خانمی که می-خواهد شوهرداری کند باید اسباب رضایت شوهرش را فراهم نماید، مواظب اخلاق و رفتار شوهرش باشد، تلاش کند او را به صورت یک شوهر مهربان و محبوب درآورد تا برای خانواده اش بهترین رفیق و برای فرزنداناش بهترین مربی باشد. نه اینکه در اثر بی پروایی و یا سهل انگاری، شوهرش را از خود دور سازد و راه به وجود آمدن اختلاف های خانوادگی را باز کند.

یکی از مهمترین پایه های استحکام زندگی مشترک، رعایت حقوق شوهر از جانب زن است. بر هر زن مسلمان لازم است که در عرصه رعایت حقوق شوهرش که حق ایمانی و انسانی به شمار می رود، الله تعالی را حاضر و ناظر بداند و از اینکه در روز قیامت در برابر ناسازگاری ها و عدم اطاعتش از شوهر، مورد بازخواست الهی قرار خواهد گرفت، هراس داشته باشد.

زن هوشیار کسی است که در عرصه پاسداری از حقوق شوهر، از دیگران دستور نگیرد، دیگران را در زندگی خود با مشوره های زهر آگین خود دخالت ندهد و بخاطر اینکه بتواند با توجه به دستورات و فرمانهای دیگران، شوهرش را مطیع و فرمانبردار خود بسازد، کانون و پایه های زندگی مشترک را به لرزه در نیآورد. چه بسا افرادی هستند که برای خانم، دستور می دهند تا شوهرش را تحت اداره و تسلط خود بیاورد، در مشوره ها و دستورات خود اشتباه کنند و یا هم در اثر حسادت شان نسبت به پیشرفت و ترقی شوهر، بخواهند زندگی مشترک و پیوند زن و شوهر تازه عروسی کرده را از هم بپاشند.

هر مردی دوست دارد که همسرش صفات زن بودنش را حفظ نموده و با لطافت، مهربانی و عشوه‌گری با شوهرش رفتار نماید؛ از دیگران تقلید نکند و به هیچ کسی اجازه دخالت در زندگی مشترک را ندهد؛ حدود و خط سرخ‌های پیوند زناشویی را رعایت نماید و از شوهر خود اطاعت کند؛ امور خانه را مطابق خواسته شوهرش تنظیم کند و برای فرزندان شوهرش، یک مادر و تربیت‌کننده دلسوز و مهربان باشد. متأسفانه برخی از زنان، زن بودن خود را فراموش می‌کنند و به جای اینکه از لطافت، مهربانی و عطوفت زن بودن خود کار گیرند و با شوهران خود رفتار پسندیده نمایند، خشونت و تندی را طرز العمل رفتاری خود قرار می‌دهند و دستورات دیگران را در زندگی دخیل می‌سازند که این نوع صفات و حالات زن، نه تنها مورد پسند شوهرش نمی‌باشد بلکه چه بسا، شوهرش از ازدواج با همچو زنی پشیمان گردد و اقدام به طلاق خانمش کند.

شوهر باوصف تحمل انواع مشقت‌ها، سختی‌ها و فراز و نشیب‌های زندگی، وقتی خسته و درمانده به خانه برمی‌گردد، برای راحت شدن و احساس آرامش کردن در کنار همسر و فرزندانش است؛ اما وقتی با گام گذاشتن در خانه، به جای احساس آرامش در گودالی از زبان درازی و ناسازگاری همسرش قرار گیرد، به مرور زمان، شوهر امید آرامش خود را در آن خانه و با آن همسر از دست می‌دهد که این موضوع، در فروپاشی زندگی مشترک نقش کلیدی دارد.

خوشا به حال زنی که هوشیارانه آنچه را که الله تعالی و پیامبر صلی الله علیه و آله به انجام آن امر کرده‌اند اطاعت کند و از آنچه بازداشته است، دست بکشد؛ آنچه را که در شریعت

اسلامی بزرگ تلقی شده بزرگ بدانند و حقوقی را که شوهرش بر وی دارد به خوبی ادا نماید؛ چون که اطاعت و فرمانبرداری از شوهر در امور مشروع، موجب افزایش پاداش او و وارد شدن به بهشت پروردگار می‌گردد.

پیامبر ﷺ اطاعت و فرمانبرداری زن از شوهر را موجب وارد شدن زن به بهشت دانسته و آن را در ردیف نماز و روزه بیان کرده است چنانچه در حدیثی که عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه روایت کرده است پیامبر ﷺ فرمودند: «إِذَا صَلَّتْ الْمَرْأَةُ حَمْسَهَا وَصَامَتْ شَهْرَهَا وَحَفِظَتْ فَرْجَهَا وَأَطَاعَتْ زَوْجَهَا قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الْجَنَّةَ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ شِئْتَ»<sup>۱</sup>.

یعنی: اگر زن نمازهای پنجگانه را ادا نماید و روزه رمضان را بگیرد و از زنا دوری کند و از شوهرش اطاعت نماید به او گفته می‌شود: از هر دری از درهای بهشت که می‌خواهی وارد شو.

### مطلب دوم: حقوق شوهر بر زن

دین مقدس اسلام، همانطوری که حقوقی را برای زن قائل شده و مرد را مکلف به رعایت کردن آن دانسته است، برای مرد نیز حقوقی در نظر گرفته که زن مکلف است، به عنوان یک حق شرعی و انسانی، آن حقوق را رعایت نماید.

۱- مسند أحمد، حدیث: ۱۶۶۱.

برای اینکه زن مسلمان، حقوق شوهرش را بداند و برای رعایت آن، کمر همت ببند، در ذیل برجسته‌ترین آن حقوق را بیان می‌داریم:

### ۱- فرمانبرداری از دستورات شوهر:

مرد، مسئولیت اداره و رهبری حکیمانه خانواده را به عهده دارد. بخاطر حفظ ارزش های خانواده و سعادت آن تلاش می‌کند و در جهت تحقق اهداف والا و حفاظت خانواده در مقابل سختی‌ها و فساد، برنامه‌ریزی می‌کند. تحقق و رسیدن به این آرمان ها بدون اطاعت، نظم و مدیریت امکان ندارد. به همین جهت است که موضوع اطاعت و فرمانبرداری از شوهر در امور مشروع مطرح می‌گردد.

بنابر این، نخستین حقی که شوهر بر خانم خود دارد این است که خانمش از دستورات وی اطاعت کند. الله ﷻ می‌فرماید: ﴿فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ﴾<sup>۱</sup>.

یعنی: پس زنان صالحه آنانی هستند که فرمانبردار بوده و اسرار زناشویی را نگه دارند؛ چرا که الله متعال به حفظ و نگهداری آنها دستور داده است.

به این تفسیر که کسانی، زنانی شایسته و صالحه به شمار می‌روند که از اوامر الله ﷻ و دستورات شوهر خود اطاعت نمایند، خود را از زنا دور نگه دارند، اموال شوهران خود را حفظ کنند و اسرار مسائل زناشویی را محفوظ دارند و آن را نشر

۱- سورة النساء، آیه ۳۴..

نکنند. بخاطر اینکه الله متعال به حفظ کردن و مواظبت آنها دستور داده است و سرکشی از این دستورات، بیانگر ناصالح بودن زن می باشد.

در شریعت اسلامی، زن وقتی صفت بهتر بودن را به دست می آورد که از شوهرش اطاعت نماید و بهترین زنان در حدیث مبارک زنی تلقی شده که از شوهرش اطاعت نماید. چنانچه در حدیثی که ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیده شد: بهترین زنان کدام اند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «الَّتِي تَسْرُهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا وَتُطِيعُهُ إِذَا أَمَرَ وَلَا تُخَالِفُهُ فِيمَا يَكْرَهُ فِي نَفْسِهَا وَلَا فِي مَالِهِ»<sup>۱</sup>.

یعنی: بهترین زنان، زنی است که هرگاه شوهرش به او نگاه کند باعث خوشحالی اش شود و هنگامی که به او دستور دهد از دستورش اطاعت نماید و آنچه شوهر دوست دارد به رغم میل زن در باره او و مالش انجام بگیرد، زن در آن موارد با شوهرش مخالفت نکند.

خوشا به حال زنی که سلیقه های شخصی و همچنین توصیه های زهرآگین دیگران، مبنی بر اطاعت نکردن از شوهر را در نظر نمی گیرد و بخاطر نایل آمدن به رضایت و بهشت پروردگار و همچنین در جهت ادای حق شوهر، در امور مشروع از دستورات شوهر خویش اطاعت می کند.

اطاعت از شوهر، حق مسلم و شرعی ای است که زن مکلف به رعایت کردن آن می باشد؛ اما محدوده اطاعت تا اندازه ای است که مخالف امر الله تعالی و فرمان رسول

<sup>۱</sup> - مسند احمد، شماره ۹۵۸۷.

الله ﷻ نباشد. هر گاه دستور شوهر مخالف شریعت باشد، در این صورت نه تنها اطاعت از شوهر جایز نیست بلکه حرام است. چنانچه به روایت علی رضی الله عنه پیامبر ﷺ می فرماید: «لَا طَاعَةَ فِي مَعْصِيَةٍ، إِنَّمَا الطَّاعَةُ فِي الْمَعْرُوفِ»<sup>۱</sup>.

یعنی: طاعت در معصیت از الله نیست؛ بلکه طاعت فقط در کارهای نیک و پسندیده است.

از انس رضی الله عنه روایت است که می گوید: «كَانَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا زَفُوا امْرَأَةً عَلَى زَوْجِهَا، يَأْمُرُونَهَا بِخِدْمَةِ الزَّوْجِ وَرِعَايَةِ حَقِّهِ»<sup>۲</sup>.

یعنی: یاران پیامبر ﷺ هرگاه زنی را به خانه شوهر می فرستادند، او را پند و اندرز می دادند که شوهر خود را خدمت کند و حقوق او را رعایت نماید.

زن عاقل و گرامی که عقل و فرهنگش بر سطح نگری و نادانی اش برتری دارد، بخاطر نظم خانواده، رعایت حقوق شوهر و تربیت درست فرزندان، در امور مشروع از شوهر خود اطاعت می کند و از این رهگذر به رضایت پروردگار نایل می گردد.

خواهر گرامی! در عرصه فرمانبرداری از دستورات شوهر خود که الله متعال برای تو فرمان داده است، تلاش کن و در امور مشروع، از وی اطاعت نما تا پاداش تو در نزد پروردگار بیشتر شود و به بهشت جاویدان نایل گردی.

۱- صحیح البخاری، حدیث: ۷۲۵۷.

۲- فقه السنة، ج: ۲ ص: ۲۳۳.

هرگاه شوهر، خانم خود را به ارتکاب گناه امر کند، اطاعت از وی جواز ندارد و بلکه حرام است. به عنوان مثال، اگر شوهر خانم خود را در دوران قاعدگی برای همبستری دعوت نماید و یا بخواهد از طریق غیر مشروع با وی نزدیکی نماید، خانم نباید از او اطاعت کند. چون اطاعت از شوهر در امور پسندیده و معروف است نه در آنچه که ناپسند و نافرمانی از خالق باشد.

## ۲- تمکین به خواست شوهر:

دومین حقی که شوهر بر خانم خود دارد این است که در غیر از مواردی که شریعت منع کرده، به خواست شوهر خود در عرصه همبستری تسلیم شود و تمکین نماید.

تمکین عبارت از: حاضر بودن زن به خواست شوهر در بهره مند شدن و کامگیری جنسی از او است.

دین مقدس اسلام با توجه به طبیعت و نیاز جنسی شوهر، به او حق می دهد که هر زمانی که بخواهد از خانمش کامگیری نماید؛ به جز در مواردی که شریعت اسلامی ممنوع قرار داده است.

وقتی شوهر خانم خود را بخاطر کامگیری و برآورده ساختن نیاز جنسی فرا بخواند، بر وی واجب است که به خواسته شوهر خود تن در دهد. در حدیثی که ابو هریره رضی الله عنه روایت کرده است، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِذَا دَعَا الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ إِلَى فِرَاشِهِ فَأَبَتْ، فَبَاتَ غَضَبًا عَلَىٰهَا، لَعْنَتُهَا الْمَلَائِكَةُ حَتَّىٰ تُصْبِحَ»<sup>۱</sup>.

۱- صحیح مسلم، حدیث: ۱۴۳۶.



یعنی: اگر مردی، همسر خود را به خوابگاهش دعوت نماید اما او خودداری کند و شوهر خشمگین بخوابد، فرشتگان تا صبح آن زن را لعنت می‌کنند.

در روایت دیگری که ابو علی طلق بن علی رضی الله عنه روایت کرده است، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِذَا دَعَا الرَّجُلُ زَوْجَتَهُ لِحَاجَتِهِ فَلَتَأْتِيهِ وَإِنْ كَانَتْ عَلَى التَّوَرِّ!». <sup>۱</sup>

یعنی: هرگاه مردی همسر خود را برای برآورده ساختن نیازش فرا بخواند، زن باید بیاید؛ هرچند که بر سر تنور باشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله، تمکین و رسیدگی زن به میل جنسی شوهر را یکی از حقوق شوهر دانسته و تأکید کرده‌اند که حتی اگر زن بر شتری سوار باشد و شوهرش او را بخاطر رفع نیاز جنسی‌اش فرا بخواند، باید خواسته شوهرش را اجابت نموده و تمکین نماید. این مثال، بیانگر این است که مسئله زناشویی و تمکین زن در برابر خواسته شوهر، عامل پابرجایی محبت و رشته دوستی در میان زوجین بوده و باعث استواری پیوند زناشویی می‌گردد.

در حدیثی که عبدالله بن ابی اوفی رضی الله عنه روایت کرده است که وقتی معاذ رضی الله عنه از شام برگشت به پیامبر صلی الله علیه و آله سجده کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این چه کاری است که انجام می‌دهی؟ معاذ رضی الله عنه گفت: مردم شام را دیدم که به رهبران مذهبی و فرماندهان خود سجده می‌کردند؛ با خود گفتم که این کار را در برابر شما انجام

<sup>۱</sup> - سنن الترمذی، حدیث: ۱۱۶۰.



دهیم. پیامبر ﷺ فرمودند: «فَلَا تَفْعَلُوا، فَإِنِّي لَو كُنْتُ امْرَأًا أَحَدًا أَنْ يَسْجُدَ لِغَيْرِ اللَّهِ، لَأَمَرْتُ الْمَرْأَةَ أَنْ تَسْجُدَ لِرِجْلِهَا، وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، لَا تُؤَدِّي الْمَرْأَةُ حَقَّ رَبِّهَا حَتَّى تُؤَدِّيَ حَقَّ رِجْلِهَا، وَلَوْ سَأَلَهَا نَفْسُهَا وَهِيَ عَلَى قَتَبٍ لَمْ تَمْنَعُ»<sup>۱</sup>.

یعنی: این کار را نکنید؛ اگر امر می‌کردم که شخصی برای غیر از الله سجده کند امر می‌کردم که زن برای شوهر خود سجده نماید. سوگند به ذاتی که جان محمد در دست اوست، زن نمی‌تواند حق پروردگارش را ادا نماید مگر اینکه حق شوهرش را ادا کرده باشد؛ اگر شوهر او را طلب کرد و او بر شتری سوار بود، باید اجابت کرده و او را از خود منع نکند.

قابل ذکر است فرمانبرداری زن از دستورات شوهرش به طور مطلق نیست، بلکه در امور مشروع و متناسب با عرف و عادات می‌باشد. بنابر این، اگر شوهر همسر خود را به نافرمانی از فرامین شرع دستور دهد، بر وی واجب است که با فرمان شوهر خود مخالفت نماید چون در معصیت از خالق، اطاعت از مخلوق جایز نیست. به عنوان مثال: اگر چنانچه شوهر، خانم خود را برای کامگیری در موارد ذیل فرا بخواند، بر خانمش واجب است که از دستور شوهر اطاعت ننماید:

۱- همبستری در هنگام قاعدگی؛

۲- همبستری در حالت نفاس؛

<sup>۱</sup> - سنن ابن ماجه، حدیث: ۱۸۵۳.

۳- همبستری در جریان روز رمضان؛ و

۴- کامگیری از غیر محل نسل (از راه عقب).

در حدیثی که ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ أَتَى حَائِضًا أَوْ امْرَأَةً فِي دُبْرِهَا أَوْ كَاهِنًا فَصَدَّقَهُ بِمَا يَقُولُ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أُنْزِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ<sup>۱</sup>».

یعنی: هر کس در هنگام قاعدگی یا از غیر محل نسل، با همسرش آمیزش کند یا نزد کاهنی برود و آنچه را که کاهن می گوید راست بشمارد، به آنچه به محمد نازل شده کافر گردیده است.

### ۳- خودآرایی برای شوهر:

حق دیگری که شوهر بر خانم خود دارد این است که خانمش خود را به بهترین شکل برای او بیاراید، در خانه از بهترین عطر و خوشبویی استفاده کند، خانه را به گونه زیبا تنظیم و مرتب سازد، زیباترین لباس را برای شوهرش بپوشد و در چهره خود نشانه های خشونت و عبوست را نمایان نسازد. چنانچه در حدیثی که عبدالله بن سلام رضی الله عنه روایت کرده است پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خَيْرُ النِّسَاءِ الَّتِي تَسْرُمُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا وَتُطِيعُهُ إِذَا أَمَرَ وَلَا تُخَالِفُهُ فِيمَا يَكْرَهُ فِي نَفْسِهَا وَلَا فِي مَالِهِ»<sup>۲</sup>.

<sup>۱</sup> - سنن الترمذی، حدیث: ۱۳۵.

<sup>۲</sup> - مسند أحمد، شماره ۹۵۸۷.

یعنی: بهترین زنان، زنی است که هرگاه شوهرش به او نگاه کند باعث خوشحالی اش شود و هنگامی که به او دستور دهد از دستورش اطاعت نماید و آنچه شوهر دوست دارد علی‌رغم میل زن در باره او و مالش انجام بگیرد، زن در آن موارد با شوهرش مخالفت نکند.

دین مقدس اسلام برای زن در فراخنای زندگی مشترک، آرایش و زینت برای شوهر را جایز قرار داده است؛ به زن اجازه داده که از طلا و ابریشم برای خودآرایی استفاده کند؛ در حالی که استفاده طلا و ابریشم را برای مرد حرام قلمداد کرده است.

حکم آرایش زن را می‌توان از دو لحاظ مورد بررسی قرار داد؛ به این گونه که اگر زن، خود را برای اینکه در نزد شوهرش محبوبیت بیشتری پیدا کند و بادر نظر داشت بهداشت، خود را برای شوهر بیاراید، جایز می‌باشد اما اگر برای بیرون رفتن از خانه و بخاطر اینکه در نظر سایر مردان زیبا جلوه یابد، به خودآرایی و آرایش پیردازد برایش حرام و ناجایز می‌باشد.

تأسف آور است که زن در خانه و در کنار همسرش، خود را آرایش نکند اما برای بیرون رفتن و خودنمایی برای دیگران، چنان به خود برسد که این گفته در موردش صدق نماید: (میمون داخل خانه و آهوی بیرون خانه).

هر زن مسلمانی باید بداند و متوجه باشد که در زمانی زندگی می‌کند که انواع فتنه‌ها در آن شایع شده و گودال‌های عمیقی برای نابودی عفت و حیای دختر و پسر مسلمان، حفر شده است. باید متوجه باشد که چه بسا مردانی هستند که برای فریفتن

زنان مسلمان تلاش‌های شبانه روزی می‌کنند و از هر دری وارد می‌شوند تا عفت و پاکدامنی زن مسلمان را به تاراج ببرند و چه بسا از زنها، روبند حجاب و شرم را از گفتار و کردار خود برکنده و در عرصه آراستن خویش، تمام همت و توان خود را به کار می‌برند تا دل مردان را به دست بیاورند.

خواهر گرامی! تو خودت باش و از زنانی که صبح و شام رنگ عوض می‌کنند الگو مگیر؛ در مورد رعایت کردن حقوق شوهرت از پروردگارت بترس و زیبایی‌های خود را در پوشش پاک و زیبا در خدمت شوهرت قرار بده نه در نظاره دیگران. آرایش تو در صورتی جایز است که برای شوهرت در داخل خانه انجام دهی نه اینکه برای بیرون رفتن از خانه و برای مردان نامحرم خود را بیارایی که این کار، بدحجابی شمرده شده و در نتیجه، باعث خشم الله ﷻ نفرت و دلسردی شوهر و منجر به گنه‌کار شدن می‌گردد.

خواهر گرامی! در هر چیزی که شوهرت امر می‌کند تا زمانی که خلاف شرع نباشد، از او اطاعت کن؛ اما از زیاده روی در اطاعت به اندازه که منجر به معصیت شود دوری کن. به عنوان مثال: وقتی برای شوهرت، خود را آرایش می‌کنی، در آرایش زیاده روی مکن طوری که ابروی خود را برداری و یا موی مصنوعی به خود پیوند دهی، چون این کار از نظر شریعت اسلامی حرام است.

بناءً به دستورات شریعت خصوصاً در عرصه رسیدگی و اطاعت از دستورات شوهر عمل کن تا شوهرت را برای خود حفظ نمایی و او را از چشم چرانی و گرایش به سایر زنان دور داشته باشی.

جای بسی تعجب است که یک خانم، برای اشتراک در مهمانی‌ها و رفتن به بیرون خانه، هر نوع آرایش و زینت را برای زیبا جلوه دادن خود به کار می‌گیرد اما نصف این اهتمام را در منزل و برای زمانی که در نزد شوهر خود است صرف نمی‌کند؛ وقتی از مهمانی برمی‌گردد بلافاصله لباسهای مزین خود را از تن بیرون می‌کند و لباس کار خانه را که بوی پیاز و یا عرق می‌دهد، می‌پوشد و شوهر بیچاره مهلت دیدن خانم خود را در لباس های مزین و آراسته نمی‌داشته باشد. و شرم آورتر این است که خانم، در عروسی‌ها و مجالس شادی خود را هفت قلم آرایش کند و هزینه گزافی را برای آرایش و لباس های مزین پردازد اما وقتی که نزد شوهرش برگردد، حُجب و حیایش گل می‌کند و گویی که با مرد بیگانه مواجه شده، زیبایی‌های خود را می‌پوشاند.

وقتی شوهر، بعد از چندین ساعت کار در بیرون خانه، به امید راحتی و آرامش به خانه برمی‌گردد تا در کنار همسرش بیارامد؛ اما متأسفانه در حالی همسرش را ببیند که پیوسته لباس‌های خانه را بر تن دارد که بوی عرق و روغن آشپزی می‌دهد؛ در نتیجه، این حالت، شوهر را رنجیده خاطر، دل زده و ناراحت می‌گرداند و باعث کم توجهی او به خانمش می‌شود و پایه‌های زندگی مشترک سست می‌گردد.

این ناپسند است که زن خود را نزد شوهرش با لباسهای کم ارزش پوشانیده و یا با لباسهای ساده به نزد شوهرش آشکار گردد و زیبایی‌هایش را پنهان بدارد و در مقابل، هرگاه وقتی به بیرون خانه می‌رود خود را هفت قلم آرایش کرده و جلوه‌گری کند.

باید در نظر داشت که آرایش و زیبایی، تنها برای شوهر مطلوب نیست، بلکه برای خانم نیز خواستنی است و هر کدام از زن و شوهر حق دارند از یکدیگر بخواهند تا پوشش مطلوب و لباس مورد علاقه او را بپوشد. چون توجه به علاقه و خواست متقابل، محبت و صمیمیت بیشتری را در کانون خانواده ایجاد می کند و باعث می شود که از توجه زن و شوهر به مردان و زنان بیگانه، جلوگیری صورت گیرد.

از عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت است که می گوید: «إِنِّي لَا تَزِينُ لِمَرْأَتِي كَمَا تَزِينُ لِي»<sup>۱</sup>.

یعنی: من خودم را برای همسر می آرایم همانگونه که او خودش را برای من مزین می کند.

بنابر این، مرد نیز باید به خواست و علاقه همسرش خود را بیارید و آراستگی موردنظر او را تا زمانی که مخالف شریعت اسلامی نباشد، رعایت کند.

#### ۴- مخالفت نکردن با شوهر در مورد محل سکونت:

زندگی انسان آمیخته با فرازاها و نشیب هایی است که هر شخصی به نوعی در جریان زندگانی اش در این دنیا، آن مسیرهای دشوار را می پیماید. مرد وقتی ازدواج کند و مسئولیت و سرپرستی خانواده بر دوش او قرار گیرد، چه بسا که در اثر برخی از مشکلات، مجبور به ترک منطقه و سفر و سکونت در محل دیگری شود؛ در این

<sup>۱</sup> - التفسیر الکبیر، جلد: ۶، صفحه: ۴۴۰.

صورت بر خانمش لازم است که به عنوان یکی از حقوق شوهرش، او را درک کند و با وی در محلی که برای سکونتش انتخاب کرده است سکونت گزیند.

زمانی که موسی عَلَيْهِ السَّلَام مدت زمان خدمت را در مدین تکمیل کرد و به سوی مصر برگشت، خانواده خود را نیز همراه خویش آورد. چنانچه الله تَعَالَى می فرماید: **فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ!**<sup>۱</sup>

یعنی: هنگامی که موسی، مدت خدمت را به پایان رسانید و همراه خانواده خود از مدین به سوی مصر حرکت کرد.

امام قرطبی رَحِمَهُ اللَّهُ در تفسیر ارزشمند خود (الجامع لأحكام القرآن) در تفسیر این آیه می فرماید: این آیه دلیل بر این است که مرد می تواند همسر خود را به هر محلی که برای سکونت انتخاب کند، با خود ببرد.

برخی از خانمها، شوهر خود را مجبور به سکونت در محلی می کنند که پدر و مادر و یا خویشاوندان و دوستان آن خانم، در آنجا سکونت گزین باشند؛ بدون در نظر داشت اینکه چه بسا شوهر در آن محل با انواع مشکلات و رنجهای طاقت فرسا دست به گریبان باشد اما حاضر نمی شوند که بخاطر استوار نگه داشتن پایه های زندگی مشترک، با شوهر خود به محل دیگری سفر کنند.

<sup>۱</sup> - سورة القصص: آیه ۲۹.



خانم‌ها معمولاً شوهری را دوست دارند که همیشه در وطن باشد، هر شب به خانه بیاید، شب‌ها را بخاطر کار در بیرون سپری نکنند، اوقات فراغت بخاطر تفریح و گردش با خانمش تنظیم کند، شغل پردرآمدی داشته باشد اما متأسفانه وضعیت خیلی از مردها با خواسته‌های خانم‌شان موافق نمی‌آید.

باید خاطر نشان ساخت؛ همانگونه که الله ﷻ پرداخت نفقه و آماده کردن مسکن را بر دوش شوهر لازم و واجب گردانیده، خانم را نیز مکلف ساخته است تا در محلی سکونت کند که شوهرش برای سکونت خود و او برگزیده است. منزلی را که شوهر برای سکونت خود و خانمش، دور از اقامتگاه خویشاوندان و یا محل مورد پسند خانم انتخاب می‌کند، در صورتی اطاعت و پیروی خانم از شوهرش برای رفتن به آنجا لازم است که شوهر، به قصد زیان‌رسانی و آزار دادن، خانمش را به آنجا نبرد، بلکه بخاطر ادامه زندگی مشترک و پیشرفت در کارش و یا در اثر مصلحتی باشد. الله ﷻ می‌فرماید: ﴿أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُوهُنَّ لِتُصَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ﴾<sup>۱</sup>.

یعنی: زنان مطلقه را در حدّ توان‌تان در جایی که خود سکونت می‌کنید سکونت دهید و به آنها در (نفقه و مسکن) زیان نرسانید تا عرصه را بر آنها تنگ نمایید.

<sup>۱</sup> - سورة الطلاق، آیه ۶.

عبدالله بن جعفر بن ابو طالب علیه السلام به دخترش چنین توصیه کرد: «إِيَّاكَ وَالْغَيْرَةَ؛ فَإِنَّهَا مِفْتَاحُ الطَّلَاقِ»<sup>۱</sup>.

یعنی: از غیرت و حساسیت و حسادت پرهیز کن، چون این خوی و خصلت، کلید طلاق می باشد.

### ۵- استقبال از شوهر هنگام آمدن به منزل:

حق دیگری که شوهر بر خانم خود دارد این است که وقتی شوهر وارد منزل می شود از او استقبال کند و او را گرمی بدارد؛ با چهره باز و لبخند به شوهرش خوش آمدید بگوید و از آنچه که شوهرش را آزار می دهد و راحتی را از وی در خانه سلب می کند صحبت به میان نیاورد.

چه بسا زنانی هستند که وقتی شوهر، بعد از چندین ساعت کار در بیرون، به خانه برمی گردد، با چهره عبوس و گرفته و در حالت تند، خود را برای شوهر نمایان می سازد و نه تنها از وی پذیرایی نمی کند بلکه وقتی شوهر برایش بگوید: من گرسنه ام! برایم نان بیاور؛ زن می گوید در آشپزخانه است خودت برخیز و بردار.

اگر نمونه از زنان شایسته را که تابش اخلاق و رفتار نیکوی شان جهان را تابان ساخت، یادآور شویم می توان به أم المؤمنین خدیجه علیها السلام همسر گرانمایه پیامبر محبوب صلی الله علیه و آله اشاره نماییم؛ زمانی که بر پیامبر صلی الله علیه و آله وحی نازل شد و هراسان به خانه برگشت، فرمود: «رَمَلُونِي رَمَلُونِي» یعنی مرا بپوشانید؛ مرا بپوشانید! تا اینکه ترس و

۱- تحفة العروسین، ص: ۱۴۳.

وحشتش برطرف شد و ماجرا را برای خدیجه رضی الله عنها بازگو نمود و فرمود: من نسبت به خود نگرانم و احساس خطر می‌کنم.

وقتی حالت ترس از پیامبر صلی الله علیه و آله برطرف گردید، و جریان را برای خدیجه رضی الله عنها بیان کرد، خدیجه رضی الله عنها به پیامبر صلی الله علیه و آله دلداری داده و گفت: «كَلَّا وَاللَّهِ مَا يُخْزِيكَ اللَّهُ أَبَدًا، إِنَّكَ لَتَصِلُ الرَّحِمَ، وَتَحْمِلُ الْكَلَّ، وَتَكْسِبُ الْمَعْدُومَ، وَتَقْرِي الضَّيْفَ، وَتُعِينُ عَلَى نَوَائِبِ الْحَقِّ»<sup>۱</sup>.

یعنی: نخیر! خداوند هرگز تو را رسوا نمی‌سازد؛ زیرا تو صله رحم را رعایت می‌کنی، به دادرسی هر بیچاره می‌رسی، مستمندان را یاری می‌رسانی، از مهمان پذیرایی می‌کنی و در راه حق، مشکلات را تحمل می‌کنی.

هرگاه همسر، از تلاش‌هایی که شوهرش برای تهیه مصارف خانواده‌اش انجام می‌دهد، سپاسگزاری کند و با احترام و بزرگداشت با شوهرش رفتار کند، صفا و صمیمیت در میان زن و شوهر عمیق‌تر می‌شود و شوهر به کسب درآمد بیشتر، توجه بیشتر به امور خانوادگی و فراهم کردن آسایش‌های زندگی تشویق می‌گردد. بنا بر این، بر زن لازم است که به عنوان یک حق شوهرش، از او قدردانی کند، وقتی از سفر برمی‌گردد از او احوال‌پرسی کند، هنگامی که به خانه می‌آید، به او توجه کند و خانه را برایش به محل آسایش و آرامی تبدیل کند.

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، حدیث: ۴۹۵۳.

## ۶- درخواست نکردن طلاق بدون عذر شرعی:

پیوند زناشویی نعمت بزرگ الهی است که مرد و زن هر دو، مکلف به رعایت اصول و دستورات شرع هستند تا مبادا در اثر زیاده‌روی یا ندیده گرفتن آن اصول، پایه‌ها و اساسات این پیوند بلرزد و منجر به فروپاشی کانون خانواده گردد.

تحکیم پایه‌های زندگی مشترک، مسئولیت دینی و ایمانی هر کدام از مرد و زن است که بخاطر جلوگیری از فروپاشی آن، حتی المقدور تلاش نمایند.

همانطوری که اگر مرد بدون عذر معقول و شرعی همسر خود را طلاق دهد و باعث نابسامانی و تیره شدن زندگی زن گردد، مورد بازخواست الهی قرار خواهد گرفت، زن نیز اگر بدون سبب شرعی درخواست طلاق نماید هشدار و وعید شدیدی برایش در شریعت اسلامی در نظر گرفته شده است.

چه بسا زنانی هستند که در اثر موضوعات خیلی کوچک و پیش پا افتاده، اصرار به درخواست طلاق کرده و برای گسیختن پیوند زناشویی، اصرار کرده‌اند که بعد از اجرای طلاق از طرف شوهرانشان، زندگی را با تحمل سختی‌های فراوان و در حالت تنهایی به سر می‌برند.

در عصر کنونی، خانمهایی را می‌بینیم که وقتی یکی از صفات شوهرشان، مورد پسند آنها قرار نگیرد و یا شوهرشان مطابق میل و آرزوهای تافته و بافته خیالی آنها که گویا سوار بر اسب سفید بوده و شهزاده گونه ایشان را به آرزوهایشان برساند نباشد، با عجله و بدون تدبیر، درخواست طلاق و جدایی می‌کنند؛ این زنان هشدار سختی

را که در آخرت منتظر ایشان است و از بدبختی‌هایی که در دنیا نصیب شان خواهد شد، خبر ندارند. به روایت ثوبان رضی الله عنه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «**أَيُّمَا امْرَأَةٍ سَأَلَتْ زَوْجَهَا الطَّلَاقَ فِي غَيْرِ مَا بَأْسٍ، فَحَرَامٌ عَلَيْهَا رَائِحَةُ الْجَنَّةِ**»<sup>۱</sup>.

یعنی: هر زنی که بدون هیچ سببی، از شوهرش درخواست طلاق نماید، بوی بهشت بر وی حرام است.

انسان‌ها، طبیعتاً معایب و نواقصی در بدن، رفتار و اخلاق خود دارند اما داشتن عیب‌های جزئی، دلیل موجهی برای طلاق گرفتن همسر و یا طلاق دادن شوهر نمی‌باشد. یکی افسرده است و دیگری عصبی، یکی شب‌ها در خواب، خروپف می‌کند و دیگری شب‌ها خواب نمی‌رود، یکی پایش بوی بد می‌دهد و دیگری بخاطر بوی بد دهان او، همسرش در رنج است، یکی بددهن است و دشنام می‌دهد و دیگری ساکت است و بی جرئت، یکی خسیس است و دیگری اسراف می‌کند، یکی دست به زن دارد و همسر خود را لت و کوب می‌کند و دیگری از تربیت و توجه همسر و فرزندان خود، شانه خالی می‌کند. به هر حال، هر انسانی به نوعی مشکلات و معایبی در خود دارد. خیلی اندک و انگشت شمار است که تمام خواصی را که دختر برای شوهر آینده خود در ذهن می‌پروراند، موافق آید و کاملاً از هرگونه عادات و رفتارهای بد پاک باشد. در اینگونه موارد است که زن فهمیده و دانا، از زن نفهم و

<sup>۱</sup> - سنن ابن ماجه، حدیث: ۲۰۵۵.

خودخواه، تمیز داده می‌شود. زن هوشیار کسی است که بجای جدایی و تیره ساختن رابطه زوجیت، در پی صلاح و سازش می‌باشد.

جدایی زن و شوهر از همدیگر، برای ابلیس خوشایندتر از ارتکاب قتل، زنا، دزدی و سایر گناهان است؛ چون در اثر طلاق و فروپاشی خانواده، فساد گسترده متوجه اولاد، خانواده و جامعه می‌گردد. در حدیثی که جابر رضی الله عنه روایت کرده است پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ابلیس تخت خود را بر روی آب می‌گذارد و سپس سپاه خود را می‌فرستد. نزدیک‌ترین سپاهی نزد ابلیس کسی است که در ایجاد فتنه و آشوب بزرگترین نقش را ایفا کرده باشد. یکی از سپاهیان ابلیس نزدش می‌آید و می‌گوید: چنین و چنان کردم؛ ابلیس می‌گوید: کاری نکرده‌ای. دیگری می‌آید و می‌گوید: «مَا تَرَكْتُهُ حَتَّى فَرَقْتُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ امْرَأَتِهِ، قَالَ: فَيَدْنِيهِ مِنْهُ وَيَقُولُ: نِعَمَ أَنْتَ»<sup>۱</sup>.

یعنی: فلانی را نگذاشتم تا اینکه در میان او و همسرش جدایی و تفرقه ایجاد کردم. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: ابلیس آن شیطان را به خود نزدیک کرده و برایش می‌گوید: تو چقدر خوب هستی.

#### ۷- اجازه ندادن برای ورود به خانه، بدون اجازه شوهر:

حق دیگر شوهر بر خانمش این است که بدون اجازه او، کسی را به خانه راه ندهد. چه بسا خانمهایی هستند که از ورود افرادی که مورد پسند شوهرشان نیست به خانه

۱- صحیح مسلم، حدیث: ۷۲۸۴.

ابایی ندارند و حتی آنها را بخاطر مهمانی فرا می خوانند؛ بدون درنظر داشت اینکه شوهرشان خوشنود نیست.

زن نیک کردار باید کسی را که شوهرش دوست ندارد به خانه اش وارد شود، اجازه دخول به منزل را ندهد؛ اگر چه آن مرد، از محارم شوهرش باشد.

اگر خانم بداند که شوهرش دوست ندارد فلان شخص معین به خانه اش بیاید، در این صورت بر زن واجب است که به آن شخص اجازه ورود ندهد. اما اگر خانم بداند که شوهرش از ورود شخصی که شرعاً آمدنش جایز است، راضی می باشد، در این صورت گناهی بر وی نیست که اجازه دهد. در حدیثی که ابو هریره رضی الله عنه روایت کرده است پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَا يَجِلُّ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَصُومَ وَزَوْجَهَا شَاهِدٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَلَا تَأْذَنَ فِي بَيْتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ»<sup>۱</sup>.

یعنی: برای زن جایز نیست که هنگام حضور شوهرش، بدون اجازه او روزه (نفلی) بگیرد و همچنین نباید بدون اجازه شوهر، کسی را به خانه اش راه دهد.

از شعبی روایت است که وقتی فاطمه رضی الله عنها بیمار شد، ابوبکر رضی الله عنه به عیادتش آمد و برای ورود به منزل، اجازه خواست. علی رضی الله عنه گفت: ای فاطمه! ابوبکر اجازه ورود می خواهد. فاطمه رضی الله عنها گفت: آیا دوست داری که برایش اجازه دهم؟ علی رضی الله عنه در پاسخ عرض کرد: بلی<sup>۲</sup>.

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، حدیث: ۵۱۹۵.

<sup>۲</sup> - سیر أعلام النبلاء، ج ۳ ص ۱۰۳.



در حدیثی که جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت کرده است پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «وَأَنَّ لَكُمْ عَلَيْهِنَّ أَنْ لَا يُوطِئَنَّ فُرْشَكُمْ أَحَدًا تَكَرُّهُنَّ»<sup>۱</sup>.

یعنی: و حق شما مردان بر زنان این است که به کسی که شما او را نمی پسندید، اجازه ورود به خانه را ندهند.

### ۸- نگرفتن روزه نفلی بدون اجازه شوهر:

حق دیگری که شریعت اسلامی برای شوهر قائل شده؛ این است که روزه نفلی همسرش را در صورت حضور شوهر، به اجازه او وابسته کرده است.

برای زن مسلمان، جایز نیست که بدون اجازه شوهرش روزه نفل بگیرد؛ چه روزه-های ششگانه شوال باشد و یا روزه‌های دو شنبه و پنج شنبه و غیره... اما اگر شوهر در منزل حضور نداشته باشد و یا اینکه زن، اصلاً شوهری نداشت و یا هم روزه، باعث کوتاهی در خدمت‌رسانی به شوهر نمی‌شد، در این صورتها برای زن جایز است که روزه نفل بگیرد. در حدیثی که ابو هریره رضی الله عنه روایت کرده است پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَا يَحِلُّ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَصُومَ وَرَوْجَهَا شَاهِدٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ»<sup>۲</sup>.

یعنی: برای زن جایز نیست که هنگام حضور شوهرش، بدون اجازه او روزه (نفلی) بگیرد.

<sup>۱</sup> - سنن ابی داود، حدیث: ۱۹۰۷.

<sup>۲</sup> - صحیح البخاری، حدیث: ۵۱۹۵.

منع خانم از روزه بدون اجازه شوهر، در روزه نفل است که زمان مشخصی برای گرفتن ندارد اما روزه رمضان، فریضة الهی می باشد که نیازی به اجازه شوهر ندارد و اگر شوهر خانم خود را از گرفتن روزه رمضان منع کند، خانم نباید از این دستور شوهر اطاعت نماید و بر وی لازم است که روزه رمضان را بگیرد.

قابل یادآوری است که اگر زنی، بدون اجازه شوهرش، روزه نفلی بگیرد و شوهرش از وی بخواهد که روزه را بخورد تا به نیاز او رسیدگی نماید، بر آن زن لازم است که از دستور شوهر خود اطاعت نماید. چون خدمت به شوهر و اطاعت از دستورات او در غیر معصیت، واجب است و ترک کردن واجب که عبارت از اطاعت از دستورات شوهر است، بخاطر نفل یعنی روزه نفلی، جایز نیست.

#### ۹- عزاداری در اثر وفات شوهر:

دین مقدس اسلام رابطه و علاقه را که در میان زن و شوهر است، به سکون و آرامش توصیف کرده است. چنانچه الله ﷻ می فرماید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾<sup>۱</sup>. یعنی: یکی از نشانه های قدرت الله متعال این است که همسرانی را از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش یابید و در میان شما محبت و مهربانی انداخت.

وقتی شوهر وفات کند، خانم آرامشی را که الله ﷻ بیان کرده است از دست می دهد؛ بنابراین، بخاطر پاسداری از حقوق شوهر و وفاداری به وی و احترام به شاعر

<sup>۱</sup> - سورة الروم، آیه ۲۱.

و خانواده شوهر و همچنین برای سوگواری در اثر از دست دادن شوهر که رازدار پیوند زناشویی اش بوده، الله ﷻ بر وی واجب گردانیده تا برای مدت چهار ماه و ده روز، عزاداری نماید. چنانچه الله ﷻ می فرماید: **﴿وَالَّذِينَ يَتُوفُونَ مِنْكُمْ وَیَذَرُونَ أَزْوَاجًا یَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا﴾**<sup>۱</sup>. یعنی: و کسانی که از مردان شما می میرند و پس از خود، همسرانی را به جا می گذارند، همسران شان باید چهار ماه و ده روز انتظار بکشند و عده نگه دارند.

دین مقدس اسلام عزاداری برای هیچ کس را بیش از سه روز جایز ندانسته حتی اگر متوفی، پدر، مادر، برادر، خواهر، فرزند و یا هر کسی دیگر از نزدیکان باشد؛ اما بر خانم واجب گردانیده که پس از وفات شوهرش برای مدت چهار ماه و ده روز عده نگهداشته و سوگواری نماید. چنانچه در حدیثی که حفصه بنت عمر رضی الله عنهما روایت کرده است، پیامبر ﷺ فرمودند: **«لَا یَحِلُّ لِمَرْأَةٍ تُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَوْ تُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ أَنْ تُحِدَّ عَلَى مِيتٍ فَوْقَ ثَلَاثٍ إِلَّا عَلَى زَوْجٍ فَإِنَّهَا تُحِدُّ عَلَيْهِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا»**<sup>۲</sup>.

یعنی: برای زنی که به الله و روز قیامت ایمان دارد، حلال نیست که بیش از سه روز برای میت عزاداری کند، مگر اینکه شوهرش باشد که در این صورت چهار ماه و ده روز به عده بنشیند.

<sup>۱</sup>سورة البقرة، آیه ۲۳۴.

<sup>۲</sup> - صحیح ابن حبان، حدیث: ۴۳۰۲.

آنچه بر زن عزادار واجب است عبارتند از:

- ۱- استفاده نکردن از عطر و مواد خوشبو کننده؛ مگر پس از دوران قاعدگی برای برطرف کردن بوی ناخوشایندی که از حیض متساعد می‌شود؛
- ۲- استفاده نکردن از هر نوع وسایل آرایشی و حتی سرمه؛
- ۳- پرهیز از هر نوع زیورآلات از قبیل الماس، طلا، نقره و سایر جواهرات و اشیای زینتی؛
- ۴- سپری کردن عده در خانه که با شوهرش زندگی می‌کرده و از آن خانه جز در حالت ضرورت بیرون نشود.

## مبحث سوم: چگونه مشکلات خانوادگی را حل کنیم؟!

### مطلب اول: ارزش زن در اسلام

سلام خداوند بر تو برادر و خواهر عزیزی که در صدد یافتن راهی جهت باز کردن گره ها و هموار ساختن فرازاها و نشیب های زندگی زناشویی هستی تا کدورت ها به صمیمیت، تنفر به محبت و دوری به نزدیکی تبدیل گردد.

یکی از بزرگترین نعمتهای الله ﷻ بر بندگان این است که خانواده را محل آرامش و آسایش برای مرد و زن قرار داده تا در سایه خانواده، محبت، مهربانی، پاکی و احساس امنیت شامل حال هر کدام از زن و مرد گردد. چنانچه الله ﷻ در کتاب آرام بخش خود می فرماید: ﴿هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ﴾<sup>۱</sup>. یعنی: آنها (زنانی) لباس شما و شما لباس آنها هستید.

در جریان زندگی زناشویی، هیچ زن و شوهری یافت نمی شوند که به نوعی با همدیگر اختلاف نداشته باشند؛ اختلاف در نظریه، سلیقه و علائق، طبیعی است اما مسئله مهم این است که آیا زن و شوهر، قادر به مهار کردن اختلاف هستند تا تفاوت نظرهای شان منجر به درگیری و کدورت نشود یا خیر؟!

<sup>۱</sup> - سورة البقرة، آية: ۱۸۷.

راه حل اختلافات ویرانگر و داروی زدودن زنگارهای که مهر و صمیمیت را در خانواده به بی‌عاطفگی و کدورت تبدیل می‌کند، در چیست؟

پدر بزرگوار و مادر باعزت! الله ﷻ قرآن کریم را که بهترین نسخه برای حل مشکلات می‌باشد به ما فرستاده است. به هر مشکلی که در زندگی مواجه شوی، قرآن کریم رهنمای خوب و راه روشنگری برای حل آن است.

قرآن کریم نازل شده است تا اندرز، رهنود و رهگشایی در مسیر زندگی انسان‌ها باشد تا در پرتو رهنمودهای قرآن کریم، راه استوار و درست را برگزینند. چنانچه الله ﷻ می‌فرماید: **﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾<sup>۱</sup>**.

یعنی: ای مردم! از سوی پروردگارتان برای شما اندرز و درمانی برای آنچه که در سینه‌هاست آمده است (که قرآن نام دارد) و هدایت و رحمت برای مومنان است.

قرآن کریم نازل شده تا زنگارها و بیماری‌های درونی را از بین ببرد و روشنی و آرامش را جایگزین آن سازد.

در آغاز آیتی که ذکر گردید «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» و در پایان آن، «لِّلْمُؤْمِنِينَ» آمده است؛ بدین معنا که: شخصی که قرآن را در افکار، رفتار و گفتار خویش عملی سازد، برایش

<sup>۱</sup> - سورة یونس، آیه: ۵۷.

شفا می‌شود، دلش روشن می‌گردد و مؤمن می‌گردد؛ در نتیجه، فضل و رحمت الله متعال شامل حال او می‌شود.

برادر و خواهر با ایمان! از جمله عوامل نیک‌بختی شخص در دنیا و رستگاری او در آخرت، دقت به آموزه‌های اسلامی و عملی کردن احکامات دینی است؛ برای اینکه رفتار و گفتار انسان در محدوده فردی، فAMILI و اجتماعی با فرمایشات دینی موافق آید و همچنین شالوده خانواده از تفرقه و مشکلات خانمان سوز، دور بماند، چه خوب است که هر کدام از والدین به این امر توجه کنند و عوامل تفرقه افکنی و مشکلات را دور سازند.

مشکلات خانوادگی یکی از اسبابی است که عطوفت را در میان اعضای فAMILI، به کدورت و صمیمیت را به بی‌مهری تبدیل می‌کند.

پیوند ازدواج، علاوه بر اینکه پیوند در میان یک مرد و زن است، رابطه و شناخت دو خانواده با همدیگر نیز تلقی می‌گردد؛ بنابر این، جوانان باید در انتخاب همسر خویش، دقت لازم را داشته باشند و شخصی را برای زندگی مشترک انتخاب کنند که با معیارهای اساسی ازدواج، تعارضی نداشته باشد. در حدیثی که ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «تُنَكِّحُ الْمَرْأَةَ لِأَرْبَعٍ: لِمَالِهَا وَلِحَسَنِهَا وَجَمَالِهَا وَلِدِينِهَا، فَاظْفَرْ بِذَاتِ الدِّينِ، تَرِبَتْ يَدَاكَ»<sup>۱</sup>.

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، حدیث: ۵۰۹۰.



یعنی: بخاطر چهار خصلت و صفت، با زن ازدواج صورت می‌گیرد؛ بخاطر ثروتش، بخاطر احترام طایفه‌اش، بخاطر زیبایی‌اش و بخاطر دین و ایمانش؛ تو باید با زن با دین و ایمان ازدواج کنی.

وجود همسر دیندار، (چه مرد باشد و چه زن) در ترک محرمات، دوری از عادات بد و ایجاد فضای محبت آمیز در خانه نقش بسزایی دارد. اگر زن و شوهر هر دو دیندار باشند و به اساسات دین پایبندی نمایند، بدون شک در پیمودن زندگی زناشویی موفق خواهند بود و خواهند توانست مشکلات زناشویی را با مراجعه به احکامات دین اسلام حل کنند.

### مطلب دوم: اسباب و عوامل اختلاف در میان زن و شوهر:

الله ﷻ با حکمت خود، به خانواده جایگاه ارزشمندی داده و هر کدام از زن و شوهر را در کنار همدیگر به آرامش و سکون رسانیده است. اما گاهی حالت‌هایی بر زندگی زناشویی عارض می‌گردد که محبت و آرامش، جای خود را به کدورت و سردی خالی می‌کند تا جایی که توصیه و چنگ زدن به ریسمان زوجیت نه تنها کارساز نمی‌باشد بلکه باعث آزار و اذیت هر کدام از زن و شوهر می‌گردد و هر کدام از آنها می‌خواهند از دیگری دوری کنند و در نتیجه آشوب برپا می‌شود و فرزندان در باتلاق جنگ و جدل‌های پدر و مادر حیران و سرگردان می‌مانند.

خانواده، محل پرورش و رشد کودک است. اگر پدر و مادر رفیق صمیمی با همدیگر باشند، آن پرورشگاه را استوار و گرم می‌سازند و کودک در آن احساس

آرامش و امنیت می‌کند، استعدادهایش به ثمر می‌رسد و به سوی رشد فکری و عقلانی گام بر می‌دارد. اما اگر خانواده، محل درگیری برای زن و شوهر باشد، کودک آسایش خود را از دست می‌دهد و از ترس به گوشه‌ی پناه می‌برد، دعوای پدر و مادر به عنوان خاطره تلخ و فراموش نشدنی تا آخر عمر در ذهنش باقی می‌ماند و تأثیرات منفی و ویرانگری را بر روان کودک بر جای می‌گذارد.

اگر اختلافات و درگیری‌های خانواده، مهار نشود، دامنه آسیب تنها در محدوده زن و شوهر خلاصه نمی‌گردد بلکه در چنین مواردی، کودکان اغلب خوب درس نمی‌خوانند، خوب تربیت نمی‌شوند، عصبانی گوشه گیر و بدون اعتماد به نفس می‌باشند، در سنین بالاتر از پدر و مادر خود متنفر می‌شوند و نمی‌دانند که از پدر پشتیبانی کنند یا از مادر.

دختر این خانواده، ممکن است بدرفتاری‌های پدر خود را به حساب همه مردها بگذارد و از شوهر کردن بدبین باشد. پسر این خانواده ممکن است بدخلق‌های مادرش را به حساب همه زن‌ها بگذارد و از ازدواج کردن بیمناک باشد.

وحشتناک‌تر اینکه، بسیاری از کودکانی که پدر و مادرشان اختلافات خانوادگی را مهار نمی‌کنند و جنگ و جدل‌شان روز افزون می‌باشد، به دام‌های اعتیاد، ولگردی و مجرمین دچار می‌شوند.

اختلاف زن و شوهر در حضور فرزندان‌شان، در مبتلا ساختن افراد خانواده به دامنه‌های انواع فساد و ایجاد تنش، نقش بسزایی دارد که بهتر است هر کدام از زن و

شوهر به این امر مهم توجه کنند و ریشه‌های اختلاف جزئی و کلی را از میان بردارند تا دامنه فساد گسترده نشده و منجر به فروپاشی کانون خانواده نگردد.

درگیری و سر و صدای زن و شوهر در برابر چشم فرزندان، آثار زشت و چهره ناپسندی را در ذهن آنها تداعی می‌کند و باعث می‌گردد آنها از یکی از والدین خویش حمایت و پشتیبانی نمایند و موجب تنفر دیگری از آنها گردد.

اگر پدر و مادر به پایان دادن درگیری‌های دوامدار اقدام نکنند، چه بسا که در طولانی مدت، رابطه زناشویی شان به طلاق بینجامد که پدر در یک جهت، به زندگی ادامه می‌دهد و مادر در سوی دیگر؛ و در این میان فرزندان قربانی درگیری‌های آنها می‌شوند. چون اگر فرزندان با مادر زندگی کنند به طور غالب، فشارهای زیادی از سوی ناپدری بر آنها وارد خواهد شد و اگر با پدر زندگی کنند، برخورد ناپسند نامادری، دامنگیر آنها خواهد گردید.

اگر چنانچه فرزندان در فضای قرار گیرند که مهر و محبت والدین و احساس امنیت در آغوش مادر و حمایت پدر در آن نباشد، مصیبت‌های فراوانی دامنگیر آنها خواهد گردید و فجایعی بر آنها وارد خواهد شد که والدین، توانایی مدیریت وضعیت را نخواهند داشت.

وقتی دخالت غیر حکیمانه خویشاوندان زوجین، در امور زناشویی آنها، تحقق و ادامه یابد، چه بسا پیوند زناشویی به جای کشانیده شود که هر کدام از زن و شوهر، یکدیگر را ملامت بدانند و از همدیگر احساس سردی و نفرت کنند؛ و این همه

بخاطر مسئله کوچک و ناچیزی بوده که زن و یا شوهر، آن را بزرگ‌نمایی کرده و دخالت غیر حکیمانه فامیل‌های جانبین، بسان دمیدن در کوره آهنگر بوده که جز سوزاندن لباس، نتیجه دیگری نداشته است.

بنابر این، چه خوب است که هر کدام از زن و شوهر قبل از پدید آمدن درگیری، به ریسمان زوجیت چنگ بزنند و زمینه را بخاطر به وجود آمدن آشوب و فتنه انگیزی مساعد نگردانند تا مبادا کار به دادگاه کشانیده شود و اسرار زناشویی‌شان فاش گردد؛ چه در این صورت، زن و شوهر در جامعه حقیر می‌گردند و فامیل‌های آنها گریبانگیر شرمساری و اختلافات عمیقی خواهند گردید.

اختلاف در میان زن و شوهر یک امر طبیعی و غیر قابل انکار است که ناشی از تفاوت هر دو طرف در تربیت، شخصیت، طرز فکر، سطح نگر و عمق‌نگری می‌باشد و می‌توان گفت که جرو بحث‌های لفظی، محیط خانواده را از یک نواختی نجات می‌دهد، کینه و عقده را از دل‌های هر دو جانب دور می‌کند و آنها می‌توانند به گونه بهتر با همدیگر سازش داشته باشند و زندگی زناشویی را به طور مسالمت آمیز و محبت، ادامه دهند.

با این حال، این اختلاف گاهی باعث مشاجره و دعوا بین زوجین می‌شود؛ چون هیچ کدام از آنها نمی‌توانند نظر دیگری را درک و با آن سازش داشته باشند که در این صورت، چه بسا باعث تنش و درگیری شود و کیان زندگی مشترک را تهدید نماید.

هیچ کدام از زن و شوهر به مشکلات و درگیری‌های خانوادگی، رغبت و علاقه ندارند بلکه در آرزوی آرامش، سازش و درک متقابل می‌باشند؛ با این وصف، عوامل و اسبابی وجود دارد که وقتی در فضای خانه، ریشه خود را تثبیت کند، در سایه خود، درگیری و مشکلات خانوادگی را به بار می‌آورد.

افراد زیادی از تفاهم نداشتن، مشکلات و درگیری‌های خانوادگی، ناله می‌کنند؛ مشکلاتی که زندگی را تیره می‌کند و فضای خانه را طوری پر آشوب می‌سازد که آب خوش از گلوی کسی پایین نمی‌رود و در صورتی که زن و شوهر توانایی یافتن سبب را نداشته باشند و در پی راه حل برنمایند، چه بسا که پدیده طلاق، به میان آید و به فروپاشی نظام خانواده منجر شود.

برخی اسباب و عواملی که منجر به پدید آمدن مشکلات در زندگی مشترک می‌گردد را می‌توان به گونه ذیل بیان کرد:

### ۱- توجه کردن به حقوق و رعایت نکردن واجبات:

از مهمترین مسایلی که باعث می‌گردد دلسردی و درگیری، جای صمیمیت و آرامش را به خود اختصاص دهد این است که هر کدام از زن و شوهر در پی دریافت حقوق خود می‌باشند و از رعایت کردن مسئولیت‌ها و واجبات در برابر دیگری، خودداری می‌کنند.

دین اسلام وقتی برای مرد حقی داده، در برابرش مسئولیتی نیز متوجه او ساخته که باید انجام دهد. همچنین وقتی دین اسلام برای خانم جایگاه والا و حقوق قائل

شده، همین‌گونه مسئولیت‌هایی را نیز بر دوش او گذاشته که باید متقبل شود. اگر هر کدام از زن و شوهر، در پی دریافت حقوق خود باشند و از انجام مسئولیت‌ها، شانه خالی کنند، این بدیهی است که طرف دیگر هم حقوق وی را زیر پا می‌گذارد و موجب بروز اختلاف و درگیری می‌گردد.

آموزه‌های دینی، هر کدام از زن و شوهر را به احترام متقابل و تحمل کردن اشتباهات و لغزش‌های او فرا خوانده است. نصوص زیادی وجود دارد که شوهر را خطاب قرار داده تا ارزش و قدر همسر خود را بداند و در برخورد و معاشرت، از رفتار نیکو و پسندیده کار گیرد. چنانچه الله ﷻ می‌فرماید: **﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا﴾**<sup>۱</sup>. یعنی: و با زنان خود به طور شایسته رفتار کنید؛ اگر هم آنها را خوش ندارید، چه بسا که شما چیزی را خوش نمی‌دارید و الله در آن خیر و نیکی فراوانی قرار داده باشد.

از سوی دیگر، فرمایشات دینی، خانم را نیز به قدرشناسی در برابر شوهر فراخوانده و ادای مسئولیت دینی خانم را در گرو ادای مسئولیت‌های زناشویی او قلمداد کرده است. چنانچه در روایت عبدالله بن ابی اوفی رضی الله عنه، پیامبر ﷺ فرمودند: **«لَوْ كُنْتُ امْرَأًا أَحَدًا أَنْ يَسْجُدَ لِغَيْرِ اللَّهِ، لَأَمَرْتُ الْمَرْأَةَ أَنْ تَسْجُدَ لِرِجْلِهَا، وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، لَا تُؤَدِّي الْمَرْأَةُ حَقَّ رَبِّهَا حَتَّى تُؤَدِّيَ حَقَّ زَوْجِهَا، وَلَوْ سَأَلَهَا نَفْسُهَا وَهِيَ عَلَى قَتَبٍ لَمْ تَمْنَعَهُ»**<sup>۲</sup>.

<sup>۱</sup> - سورة النساء، آیه: ۱۹.

<sup>۲</sup> - سنن ابن ماجه، حدیث: ۱۸۵۳.

یعنی: اگر امر می‌کردم که شخصی به غیر الله سجده کند، امر می‌کردم که زن برای شوهر خود سجده کند؛ سوگند به کسی که جانم در دست اوست، زن نمی‌تواند حق پروردگار را ادا کند مگر اینکه حق شوهرش را ادا کرده باشد و اگر شوهر، از زن خود چیزی بخواهد حتی اگر او بر شتری سوار باشد، دعوتش را اجابت نماید و ممانعت نکند.

## ۲- اختلاف در عمل به امور دینی:

دین مقدس اسلام، در تعاملات و رفتارهای اخلاقی، فامیلی و اجتماعی، نقش اساسی و بسزایی را دارد که اصول و قواعد رفتاری را برای انسان ها معرفی می‌کند.

زن و شوهر باید بدانند که رابطه زناشویی فقط یک پیوند عادی در میان دو فامیل و یا ارضای خواهشات نفسانی نیست، بلکه پیوند مقدسی است که الله ﷻ آن را مشروع گردانیده و گرامی داشتن آن پیوند، لازم می‌باشد.

پیوند ازدواج، یکی از نشانه‌های قدرت الله ﷻ است که به سبب آن، آرامش و صمیمیت در میان دو انسان با جنسیت‌های متفاوت، پدید می‌آید و نباید آن را وسیله خوشگذرانی و یا یک معامله ساده پنداشت. اگر چنین باشد، چه بسا که زندگی مشترک، احترام و ارزش خود را به بی‌احترامی خالی نماید و منجر به بروز اختلافات خانوادگی گردد.



اصول و اسلوبی را که شریعت اسلامی برای پیشبرد زندگی مشترک بیان کرده است، از طرف هر کدام از زن و مرد واجب العمل می‌باشد و لازم است از آغاز ازدواج، رعایت گردد تا فساد به پیکر رابطه زناشویی رخنه نکند.

### ۳- توجه نکردن به همدیگر:

در زندگی مشترک، باید رفتار صمیمانه و ابراز علاقه از سوی هر کدام از زن و شوهر صورت گیرد. این گونه نیست که زن پیوسته در انتظار ابراز علاقه و یا بیان جملات احساسی از طرف شوهر خود باشد اما خودش می‌خکوب شود و علاقه به شوهر خود بروز ندهد و یا بر عکس، مرد نیز نباید به زبان آوردن جملات محبت آمیز را نشانه شکست غرور و دور از شخصیت مردانگی خود بداند. اگر رفتار و گفتار محبت آمیز زوجین، یک جانبه باشد، با گذشت زمان، رفتارشان به سردی می‌گراید و بی‌توجهی - شان سلاح کشنده‌ای می‌باشد که حیات پیوند مشترک را تهدید می‌کند.

در عصر کنونی، تکنالوژی بخش اجتناب ناپذیر زندگی بسیاری از انسان‌ها شده و گوشی‌های هوشمند و انترنت به گونه وفور به دسترس انسان‌ها قرار گرفته است. اگر از انترنت و گوشی‌های هوشمند، به گونه درست و کنترل شده استفاده صورت نگیرد و با افراط و زیاده روی از آن بهره گرفته شود، تأثیرات ویرانگری را به دنبال خواهد داشت که چه بسا، حیات زندگی مشترک را نیز تهدید نماید.

شوهر را در حالی می‌بینی که وقتی به خانه برمی‌گردد، به جای اینکه با خانم خود هم صحبت شود، با مبایل خود مصروف می‌گردد. از طرف دیگر، خانم نیز وقتی در کنار همسرش قرار می‌گیرد، کنترل تلویزیون را در دست دارد و مصروف مشاهده

سریال می‌گردد. باید دانست که صحبت نکردن زن و شوهر و کناره‌گیری کلامی از همدیگر، نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند بلکه قتل خاموشانه پیوند زناشویی به شمار می‌رود و چون دل‌های زن و شوهر آکنده از حرفهای نگفته گردد، در میان‌شان فاصله عاطفی ایجاد می‌شود، بهانه‌گیری‌ها شروع می‌گردد و تنش و درگیری سایه خود را بر رابطه زناشویی می‌افکند.

#### ۴- رفتار تهدید آمیز زوجین:

گاهی اختلاف در میان زوجین، از کمی بصیرت در دین و دستاویز قرار دادن رسوم نادرست برخی از جوامع و پیروی از افکار دیگران نشأت می‌گیرد؛ زن و مرد به خاطر اینکه خود را نزد دیگران برتر و با اقتدار جلوه دهند، حاضرند آرامش و سکون در خانه را به بهای خوشنود ساختن دیگران از دست دهند و زندگی را به کام خود و دیگری تلخ کنند.

فضای خانواده، محیط حاکمیت مطلق یکی از زوجین نیست که در آن قلدری و امر و نهی کند، بلکه محل زندگی در محور تبادل نظریات است که با توجه به تفاوت نظرها و احترام متقابل بنا شده است؛ هر کدام از زن و مرد حق دارند در برابر نظریات طرف مقابل، اظهار نظر کنند، رفتار و گفتار ناپسند یکدیگر را مورد نقد قرار دهند و بر عملکرد ناشایست همدیگر اعتراض نمایند؛ اما هیچ کدام، حق این را ندارند که اظهار نظر، انتقاد و یا اعتراض را وسیله برای شعله ور ساختن آتش کینه، درگیری و انتقام‌جویی قرار دهند.

زیبایی زندگی در جرو بحث های مداوم و کشمکش های طولانی نیست، بلکه در لطف بر همدیگر، رفتار مهربانانه در برابر همدیگر، گذشت و صمیمیت نهفته است. چه بسا مرد بخاطر اینکه خود را مدیر و نفقه آور خانه می داند، در امور مشترک زناشویی هیچ حرفی را جز حرف خود، درست و واجب العمل به شمار نیاوری و خواهان این باشد که در هر صورت از وی اطاعت و فرمانبرداری صورت گیرد، چه حرفش درست باشد و یا نادرست.

از طرف دیگر، زن هم بخاطر اینکه پیش دوستان و یا فامیل خود کم نایید و یا باتوجه به شعار مساوی بودن حقوق زن و مرد، در برابر هر حرف شوهرش ایستادگی نماید و رفتار و گفتار خود را کنترل نکند. در حالیکه همچو وضعیتی، باعث تیره شدن روابط زناشویی می گردد و منجر به پدید آمدن موضوع طلاق می شود.

وقتی اختلافی در میان زوجین صورت گیرد، مهمترین مسئله، شیوه برخورد زن و شوهر برای حل این اختلاف است. اما متأسفانه، برخی از شوهران به این فکر هستند که تهدید به طلاق، راه حل درستی برای فرمانبردار ساختن خانم خواهد بود و یا برخی از خانمها گمان می کنند که اصرار بر درخواست طلاق، گزینه ای درستی برای حل مشکلات خانوادگی است؛ غافل از اینکه اینگونه رفتارشان، نه تنها مشکلی را حل نمی سازد بلکه آیات الله ﷻ را به تمسخر می گیرند و گنهکار می شوند.

در شریعت اسلامی، طلاق اولین راه حل مشکلات خانوادگی نیست. طلاق برای این مشروع نشده تا ریسمان زوجیت در کوچکترین اختلافی بریده شود، بلکه

طلاق، آخرین راه حل مشکلات می‌باشد و قبل از آن باید انواع پیشگیری‌ها برای برطرف کردن کدورت‌ها و برگرداندن صمیمیت مراعات گردد.

طلاق، مانند آتشی است که کانون خانواده را آتش می‌زند و پیوند زناشویی را از هم گسیسته می‌سازد. طلاق ناپسندترین حلال در نزد الله ﷻ می‌باشد و وقتی پیوند زناشویی، با آتش طلاق مشتعل گردد، بیشترین آسیب متوجه کودکان آن فامیل می‌گردد؛ کودکانی که در اثر جدایی پدر و مادر، از نعمت داشتن والدین محروم می‌گردند، در تربیت و رشد شخصیت آنها خلل بزرگ و جبران ناپذیری وارد می‌شود و پیوسته سرگردان خواهند بود.

محیط خانواده باید محل آرامش و آسایش باشد و هر کدام از زن و شوهر، مکلفیت شرعی دارند تا از دستاویز قرار دادن اسباب اختلاف و ایجاد تنش، خودداری نمایند و ریشه‌های صمیمیت را آب یاری کنند.

#### ۵- خودخواهی و خودبینی:

یکی از عواملی که باعث پدید آمدن اختلافات و درگیری‌های زناشویی می‌شود، بیماری خودبینی زن یا شوهر است. متأسفانه بسیاری از افراد به این بیماری که جهاز اخلاقی انسان را تعطیل می‌سازد و چشم عقل را کور می‌گرداند دچار هستند. کسانی که به این بیماری مبتلا هستند، فقط خوبی‌های خود و بدی‌های دیگران را می‌بینند، از طرف دیگر، از دیدن بدی‌های خود و خوبی‌های دیگران چشم‌پوشی می‌کنند.

گاهی یکی از زن و شوهر و یا هر دوی آنها، به این بیماری دچار می‌گردد که عیب دیگری را می‌بیند و بزرگ نمایی می‌کند و از آنجایی که خود را پاک و بی‌عیب می‌داند، به نصیحت و اندرز دیگران هم توجه نمی‌کند.

بسیاری از مردها متأسفانه به این بیماری دچاراند و فضای خانه را از آرامش به ساحه انتقاد مطلق و میدان جنگ تبدیل می‌کنند. پیوسته به خانم خود نصیحت و توصیه می‌کنند اما به نصیحت کسی گوش فرا نمی‌دهند؛ کتاب‌های اخلاقی را برای مطالعه همسر خود، خریداری می‌کنند تا آن را مطالعه کند اما خود را از مطالعه کتاب بی‌نیاز میدانند. چون خود را کاملاً بی‌عیب و بی‌نقص می‌شمارد؛ به والدین همسر خود می‌گویند که دختر خود را نصیحت کن تا گوش به فرمان باشد و آرامش خانه را ناآرام نسازد، اما یک بار هم به این نمی‌اندیشد که خودش، باعث شده تا آرامش از خانه رخت سفر بندد.

به هر برادر و یا خواهری که در زندگی مشترک‌شان، اختلاف و درگیری، به وجود آمده توصیه می‌کنم که از خودبینی و خودخواهی دست بردارد، در فرصت مناسب با همسر خود برای حل اختلاف بشنید و این احتمال را بدهد که ممکن تقصیر و عیب از طرف خودش باشد، با آرامش کامل خواسته‌های همسر خود را بشنود و آن چه را که همسرش عیب تلقی می‌کند تلاش کند بخاطر آرامش خود و فامیلش به اصلاح آن بپردازد.

### مطلب سوم: راه های حل مشکلات خانوادگی:

برادر و خواهر مسلمانم! اگر نشانه های اختلاف و درگیری، در فضای خانواده آشکار گردد، هیگاه نفرین کردن، طعنه زدن به احساسات همدیگر، تهدید به طلاق و یا دوری طولانی مدت از همدیگر، وسیله کارساز برای حل مشکل نخواهد بود؛ بلکه در این عرصه باید صبر و تحمل، تدبّر برای پیوند دادن نه گسیستن، شناخت تفاوت نظرها در احساسات، رفتارها و خُلق و خوی می باشد که هر کدام از زوجین باتوجه به تفاوت جنسیتی شان، به تفاوت دیدگاه و ذهنیت دیگری، باور داشته باشند.

وقتی خللی در رابطه زوجیت پدیدار گردد و میل زن به انجام ندادن مکلفیت های زناشویی مشاهده شود، راه حل این مشکل، هیچگاه در تهدید به طلاق و یا نفرین کردن نمی باشد بلکه با توجه به رعایت راهکارهای ذیل، می توان مشکل را حل نمود:

#### ۱- مدارا کردن:

وقتی اختلاف و ناراحتی در میان زن و شوهر رخ می دهد، در آغاز باید هر کدامشان با توجه به محبت و مهربانی که الله ﷻ در میان آنها قرار داده است، با همدیگر سازش داشته باشند و اختلافات را با مدارا حل نمایند.

مدارا یعنی اینکه در کارها به نرمی و دور از خشونت و غلظت رفتار شود.

شیطان، که بزرگترین دشمن انسان به شمار می رود، بیشترین تلاش خود را برای برهم زدن پیوند ازدواج از طریق وسوسه ها و تفریق افگنی ها به خرج می دهد تا زن و شوهری را از همدیگر جدا و دو خانواده را به جان همدیگر بیندازد.

به همین علت، هر کدام از زن و شوهر، تلاش نمایند با تبیین و توضیح مسایل و اهمیت استوار نگه داشتن نظام خانواده، با همسر خود به تفاهم برسند و از جدال و فروپاشی خانواده جلوگیری کنند. مدارا کردن و حق را به طرف مقابل بخشیدن، چیزی را از شخصیت انسان نمی‌کاهد بلکه در آرامش روحی و ایجاد صمیمیت بسیار موثر می‌باشد. در حدیثی که أم المؤمنین عایشه رضی الله عنها روایت کرده است پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ الرَّفْقَ لَا يَكُونُ فِي شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ وَلَا يُنْزَعُ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا شَانُهُ»<sup>۱</sup>. یعنی: نرمی در هر چیزی که باشد آن را زیبا می‌سازد و از هر چیزی کشیده شود آن را زشت می‌گرداند.

نرم خویی علاوه بر اینکه کلید باز کردن مشکلات است، عبادت محسوب می‌و برای فرد مسلمان نرم خو، وعده دوری از آتش جهنم داده شده است. چنانچه به روایت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَنْ يَخْرُمُ عَلَى النَّارِ؟ عَلَى كُلِّ هَيِّنٍ قَرِيبٍ سَهْلٍ»<sup>۲</sup>.

یعنی: آیا شما را از کسی که آتش دوزخ بر او حرام است خبر ندهم؟ بر هر انسان مردمی، نرم خو و آسان گیر.

<sup>۱</sup> صحیح مسلم، حدیث: ۶۷۶۷.

<sup>۲</sup> - سنن الترمذی، حدیث: ۲۴۸۸.



## ۲- توصیه:

اگر شوهر، وظایف شرعی و اخلاقی خود را در برابر خانم خویش انجام دهد، بیشترین مشکلات آنها حل می‌گردد و خانم هر قدر بهانه جو و فرصت طلب برای ایجاد آشوب باشد، به خود می‌آید و به شوهر خود تمکین می‌داشته باشد. اما اگر برخورد شایسته مرد موثر واقع نشود و خانمش همچنان بهانه‌گیری کند و محیط خانه به محل جنگ و درگیری تبدیل گردد، در این صورت مرد باید او را نصیت کند. اگر خانم به شیوه درست و با زبان لطیف نصیحت شود، مسلماً خواهد پذیرفت و در صدد جبران اشتباه خود برخواهد آمد.

وقتی اختلافی در میان زن و شوهر آشکار شود، هر کدام از آنها مکلف‌اند تا از انتقال موضوع اختلاف و درگیری، به دیگران خودداری کنند و پرده‌های اسرار زنشویی را فرو بیاویزند تا افراد خارج از محیط خانواده، به اسرار آنها پی نبرند.

اگر مشکلات خانوادگی، پا را فراتر از محیط خانه بگذارد و دیگران به رازهای آنها آگاه شوند، وجیه بزرگترهای فامیل است که بخاطر حل مشکلات، در میان زن و شوهر مداخله نمایند و آنها را با همدیگر آشتی دهند.

## ۳- دادگاه خانوادگی:

گاهی نصیحت شوهر به همسرش موثر واقع نمی‌شود؛ چون کینه و دلگیری زن نسبت به رفتار و گفتار شوهرش، باعث می‌گردد تا حرفهای او را گوش ندهد. در این صورت مرد باید توسط شخص دانای دیگری که حرفهایش مورد تایید زن است به

نصیحت او اقدام کند. افرادی از قبیل علمای ربّانی، دوست نزدیک و دلسوز زن، همسایهٔ مهربان او و یا توسط یکی از اعضای فامیل خودش.

پادر میانی کردن در میان زن و شوهر، برای حل اختلافات شان، در حقیقت کمک برای قوام و استوار نگه داشتن بنیاد خانواده است؛ چون اگر از رسیدگی به این موضوع، شانه خالی شود و اختلافات زن و شوهر، منجر به طلاق و جدایی آن دو گردد، کانون خانواده فرو می‌پاشد و پیوند مقدس ازدواج از هم گسیسته می‌گردد.

برای حل اختلافات زناشویی، ارجاع قضیهٔ مورد اختلاف، به یک یا چند داور آگاه، مورد اعتماد و خیراندیش از راهکارهای حل اختلافات زناشویی به حساب می‌آید. داور یا داوران اگر از جملهٔ خویشاوندان رازدار و نزدیک آن دو باشد بهتر است.

زن و شوهر، برای اینکه رابطهٔ زناشویی شان از هم نپاشد و بخاطر ایجاد ثبات و آرامش در فضای خانه، تمام موارد اختلاف را بدون کم و زیاد، در اختیار داوران قرار دهند.

داوران باید به قصد اصلاح و آشتی، زن و شوهر را نصیحت کنند و از اهمیت صلح و آشتی و فرجام کینه و کدورت برای شان بگویند.

زن و شوهر نیز مطالبی را که داورها بیان می‌کنند، یادداشت نمایند و همه را مو به مو اجرا کنند تا آرامش و صمیمیت دوباره به خانه برگردد و برکت و رحمت الهی، شامل حال آن دو گردد.

مراجعه به داور، شنیدن نصیحت‌ها و اندرزهای داور، عمل کردن به آن و ترک کردن لجبازی و خودخواهی کار آسانی نیست. اما انسان اندیشمند همه راه‌ها را بخاطر اینکه کینه و کدورت، در رابطه زناشویی پایدار نگردد، می‌تواند چنین امری را بپذیرد تا به یاری **الله تعالی**، سبب اختلاف برطرف گردد و از نتایج ارزشمند آن بهره‌مند شود.

یکی از مهمترین نکاتی پدر و مادر عروس و داماد، باید در نظر داشته باشند این است که اگر چنانچه به اختلاف و یا درگیری عروس و داماد پی ببرند، باید آرامش خود را حفظ کنند و برای حل موضوع اختلاف، یک داور امین، باتجربه، دلسوز و بالایمان را بخاطر آشتی به نزد آنها بفرستند نه اینکه با طرف داری از عروس یا داماد، خداناخواسته، باعث شعله و رتر شدن آتش گردند. چون مداخله‌های غیر حکیمانه پیوسته آسیب‌های جدی را بر پیکر رابطه زناشویی وارد می‌کند.

الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّيَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا<sup>۱</sup>﴾.

یعنی: اگر ترسیدید که در میان زن و شوهر، اختلاف و جدایی پیدا شود، یک داور از خانواده شوهر و یک داور از خانواده همسر، بفرستید. اگر این دو داور، قصد اصلاح داشته باشند الله در میان آنها توافق به وجود خواهد آورد. الله به همه چیز دانا و آگاه است.

اگر داوران به این نتیجه برسند که آن زن و شوهر به آشتی علاقه ندارند و نمی‌خواهند با همدیگر زندگی مشترک را ادامه دهند، بخاطر پیشگیری از نزاع بیشتر و برای اینکه آسیب جبران ناپذیری به آنها و یا فرزندان شان واقع نشود، زمینه جدایی و طلاق را در میان آنها فراهم سازند.

#### ۴- واگذار کردن بحث به زمانی که عصبی و ناراحت نباشید:

صبر به شما این امکان را می‌دهد که با اندیشه عمیق به موضوع نگاه کنید و تصمیم منطقی بگیرید؛ اگر افسار دعوا و تنش مهار نشود و یکی از شما دو نفر، کوتاه نیایید، هیچگاه با پرخاشگری و عصبانیت نمی‌توانید قضیه را حل و فصل نمایید؛ بناءً بهترین کار این است که آرامش خود را حفظ کنید و تا زمان آرام شدن فضا، خود را به کاری مشغول سازید و یا محل را ترک کنید.

<sup>۱</sup> - سورة النساء، آیه: ۳۵.

وقتی عصبانی هستید، نمی‌توانید به موضوعی [هرچند کوچک و جزئی] منطقی بیندیشید و تصمیم درست بگیرید؛ بر عکس، تصمیم گرفتن در حال عصبانیت، تشنج را افزایش می‌دهد و گره کوری را در رابطه ایجاد می‌کند که چه بسا باز کردن آن گره، دشوار و یا هم غیر قابل جبران باشد.

وقتی عصبانی باشید، ممکن است بخواهید عجولانه و بدون اندیشیدن به عواقب تصمیم‌تان، اقدام به کاری کنید؛ اما بهترین و مناسب‌ترین اقدام در حالت عصبانیت، سکوت و صبر است. چون در حالت عصبانیت، حرف زدن، موضوع را پیچیده‌تر می‌سازد. هیچ دلیلی وجود ندارد که در مورد موضوع به میان آمده، شما نتوانید فردای آن روز صحبت کنید. بناءً بحث پیش آمده را به زمانی واگذار کنید که آرام باشید نه عصبانی.

### ۵- هدیه دادن:

دادن هدیه به همسر در تحکیم ریشه‌های محبت و دور کردن کدورت‌ها نقش بسزایی دارد؛ چه خوب است که زن یا شوهر، هدیه‌ای (هرچند ساده) را آماده نمایند و به دیگری تقدیم کنند. چون زنده کردن محبت در میان زوجین در برطرف کردن ناراحتی‌ها همواره سودمند بوده است.

برخی افراد از تقدیم هدیه برای همسر خود، احساس ننگ و عیب می‌کنند و آن را مخالف شهامت و مردانگی خود تلقی می‌کنند؛ بی‌خبر از اینکه هدیه حتی اگر شاخه گلی باشد، انقلاب و دگرگونی بزرگی را در ایجاد محبت و دور کردن کدورت

ها دارد. در حدیثی که ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: **«تَهَادُوا تَحَابُّوا»<sup>۱</sup>**.

یعنی: به همدیگر هدیه بدهید تا محبت در میان شما به وجود آید.

چه خوب است که شخص، هر از گاهی برای والدین، همسر، خویشاوندان و دوستان خود، هدیه ای (به اندازه توان خود) آماده نماید و با اخلاص، محبت، لبخند و دور از آرایش و خودبینی برایش تقدیم نماید. این کار علاوه بر اینکه باعث ایجاد صمیمیت و دور ساختن کدورت‌ها و بدگمانی‌ها می‌گردد، در حقیقت صدقه نیز محسوب می‌شود. چنانچه در حدیثی که ابوذر رضی الله عنه روایت کرده است پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: **«تَبَسُّمُكَ فِي وَجْهِ أَخِيكَ صَدَقَةٌ»<sup>۲</sup>**.

یعنی: لبخند تو به چهره برادر مسلمان، برایت صدقه محسوب می‌گردد.

ضرب المثلی در زبان عربی است که می‌گویند: «إذا قدمت من سفر فأهد أهلک و لو حجراً»<sup>۳</sup>. یعنی: وقتی از سفر برگشتی، به خانواده خود هدیه بده؛ حتی اگر سنگی باشد.

هدیه بر اساس قیمت مادی‌اش ارزیابی نمی‌گردد؛ بلکه با توجه به اخلاص و علاقه که هدیه دهنده دارد، بررسی می‌گردد و وقتی یکی از زن و شوهر به دیگری

<sup>۱</sup> - شعب الإیمان، حدیث: ۸۵۶۸.

<sup>۲</sup> - صحیح ابن حبان، حدیث: ۴۷۴.

<sup>۳</sup> - شهاب الدین، محمد بن أحمد. المستطرف فی کل فن مستطرف. (۱۴۱۹ هـ.ق) نشر:

عالم الکتب- بیروت. چاپ: اول، جلد: ۱، صفحه: ۳۰۵.

هدیه تقدیم می‌کنند، در دل او اثر بزرگی به جا می‌گذارد و احساس می‌کند که همسرش او را دوست می‌دارد.

## ۶- تأدیب مشروع:

هرگاه زن، راه ناسازگاری و سرکشی را در پیش گیرد و مرد راه کارهایی را که برای آشتی و آسایش در مطالب قبل بیان شد، رعایت کند اما باز هم سرکشی زن مهار نشود شوهر حق دارد که برای اصلاح او و برگرداندن آرامش به فضای خانواده، اقدامات شدیدتری را در پیش گیرد.

الله ﷻ برای اصلاح زن ناسازگار، مراحل را در قرآن کریم بیان کرده است که در چهار مرحله خلاصه می‌گردد.

مرحله اول: نصیحت کردن؛ (همانگونه که در مطالب قبلی، به طور مفصل بیان گردید)

مرحله دوم: ترک همبستری؛ هرگاه نصیحت و موعظه، در اصلاح زن، کارساز نباشد، بر اساس رهنمایی قرآن کریم شوهر می‌تواند بستر خود را از او جدا کند. البته باید یادآور شد که شوهر نباید خانه را ترک کند و همچنین خانم خود را از خانه بیرون نکند و نیز مدت ترک بستر، نباید به بیش از چهار ماه بیانجامد.

ترک بستر از جانب شوهر می‌تواند بر روان خانم تأثیر بگذارد و او را برای ترک نافرمانی و ناسازگاری، وادار سازد.



**مرحلهٔ سوم:** تنبیه بدنی؛ بنابر تعبیر قرآن کریم، اگر چنانچه ترک همبستری مرد هم کارساز نباشد، در این صورت مرد می تواند به زدن همسر خود اقدام کند؛ طوری که چهره و اعضای بدن زن، آسیب نبیند.

این کار، گاهی تنها راه برای متوجه کردن زنان سرکش به شمار می رود تا به خود بیایند و از بی توجهی به مصالح خانواده دست بردارند.

باید در نظر داشت که دو راهکار آخر (ترک همبستری و تنبیه بدنی) به عنوان آخرین راه های حل تلقی شده است نه اولین گزینه. مرد باید راه های دیگری را که برای برطرف کردن مشکلات زناشویی بیان گردید، در پیش گیرد و اگر سودمند قرار نگیرد، در این صورت می تواند به ترک همبستری و در صورت کارساز نبودن، به تعقیب آن، به تنبیه بدنی اقدام کند.

باوصفی که قرآن کریم، یکی از راه راهکارهایی که برای اصلاح زن ناسازگار و برگرداندن آسایش به خانه که زن، سبب از بین رفتن آن شده است، تنبیه بدنی را معرفی کرده، با این وجود، شوهر کاملاً آزاد نیست و نمی تواند هر گونه که بخواهد خانم خود را تنبیه بدنی و لت و کوب کند. چنانچه به روایت عمرو بن أحمص جَسَمِی رحمته، پیامبر صلی الله علیه و آله در حجة الوداع فرمودند: «أَلَا وَاسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ خَيْرًا، فَإِنَّمَا هُنَّ عَوَانٌ عِنْدَكُمْ لَيْسَ تَمْلِكُونَ مِنْهُنَّ شَيْئًا غَيْرَ ذَلِكَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ

**مُبَيَّنَةٌ، فَإِنْ فَعَلْنَ فَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ، وَأَضْرِبُوهُنَّ ضَرْبًا غَيْرَ مُبْرِحٍ، فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا<sup>۱</sup>.**

یعنی: آگاه باشید! با زنان رفتار نیک داشته باشید؛ چون آنها نزد شما اسیرند، شما از آنها هیچ چیز جز پیوند زناشویی و حفظ مال و ناموس شان را مالک نیستید. مگر اینکه به طور آشکارا عمل فاحشه را مرتکب شوند. اگر چنین کردند، از همبستری با آنها دوری کنید (و اگر مطمئن باشید که تاثیر گذار است) به طور آرام آنان را بزنید. اگر فرمانبردار شدند، دیگر به ضرر آنها راهی را جستجو نکنید.

بنابر این، اگر شوهر در تنبیه بدنی همسرش از حد بگذرد، ستمکار شده است و دولت اسلامی می‌تواند به اندازه‌ای که همسرش را زخمی کرده و یا آسیب جدی به او وارد کرده، او را قصاص نماید.

**مرحله چهارم:** تحکیم؛ چنانچه در مطالب قبلی تحت عنوان (دادگاه خانوادگی) بیان گردید.

### **مطلب چهارم: چند نصیحت برای شوهر:**

- ۱- با نرمی و لطافت با همسرت برخورد کن و بر او ظلم مکن که الله تعالی را دوست ندارد؛
- ۲- در حضورداشت فرزندان، به هیچ وجه با همسرت مشاجره و درگیری مکن؛

<sup>۱</sup> - سنن الترمذی، حدیث: ۱۱۶۳.

- ۳- وقتی از کار به خانه بر می‌گرددی، با لطف خوش و جبین باز با همسرت روبرو شو؛
- ۴- اگر قرار باشد دیرتر از روزهای عادی به خانه برسی، به همسرت تماس بگیر و دلیل تأخیر را برایش بیان کن تا مبادا ذهنش آشفته و نگرانت شود؛
- ۵- در هنگام ورود و خروج از منزل، به ساکنین منزل سلام کن که رحمت و لطف الله ﷻ را به همراه دارد؛
- ۶- به صحت و سلامتی خود و اعضای فامیل، توجه داشته باش؛
- ۷- هیچگاه در حضور همسر خود، از زنان دیگر تعریف و تمجید مکن؛
- ۸- در هنگام خشم، ساکت باش تا مبادا حرف جبران ناپذیری بر زبان بیاوری و یا تصمیمی بگیری که آتش اختلاف را شعله‌ورتر سازد؛
- ۹- وقتی از سفر بر می‌گرددی، قبل از رسیدن به منزل، همسرت را اطلاع بده؛
- ۱۰- به خانواده همسرت احترام بگذار و آنها را هر از گاهی به منزل خود دعوت کن؛
- ۱۱- با والدین و بستگان همسرت طوری برخورد کن که دوست داری با والدین و بستگان تو برخورد شود؛
- ۱۲- کارهای همسرت را هر چند که کوچک باشد، تمجید کن تا روح او انگیزه مثبت یابد و درک کند که تلاش او به شوهرش ارزش دارد؛
- ۱۳- گاهی هدیه‌ای هر چند کوچک و ساده، خریداری کن و با جبین باز و لبخند به همسرت تقدیم نما؛ چون هدیه دادن، مهر و محبت را می‌افزاید؛
- ۱۴- از معاشرت و همنشینی همسر خود با بستگان صالحش جلوگیری مکن؛

- ۱۵- هزینه‌هایی را که برای پذیرایی از خویشاوندان همسرت صرف می‌کنی، به زبان میاور؛
- ۱۶- به حرفهای خانمت گوش بده؛
- ۱۷- بخیل مباش و اسراف نیز مکن؛ بلکه حالت اعتدال را در نظر بگیر تا نه ملامت شوی و نه غمگین گردی؛
- ۱۸- با القاب و نام زیبایی که همسرت دوست دارد، او را صدا کن و به او احترام داشته باش؛
- ۱۹- زندگی هزاران نشیب و فراز دارد، پس در حالت سختی، بیکاری، بیماری و تلخی‌های زندگی، ناامید مباش و ناراحتی‌های خود را بالای همسر خود خالی مکن؛
- ۲۰- با تمام اعضای خانواده، چه کوچک و چه بزرگ، رفتار نیکو، عادلانه و خداپسندانه داشته باش؛
- ۲۱- مشکلات و دشواری‌های کار را در بیرون خانه رها کن و آن را به خانه انتقال نده، چون اگر مشکلاتی را که در بیرون خانه دست به گریبان هستی به خانه بیاوری، فضای خانواده را مکدر و تیره می‌سازد؛
- ۲۲- از هر چیزی که شرف همسرت را لکه دار و ناموس او را می‌شکند و به کرامت او طعنه می‌زند، همسرت را محافظت کن؛
- ۲۳- همسرت را از بی‌حجابی و آرایش برای بیگانگان منع کن و او را از اختلاط با نامحرمان باز دار؛

۲۴- از تماشای شبکه‌هایی که فلم‌های مبتذل نشر می‌کنند و یا سریال‌هایی که بیراهی و بداخلاقی را آموزش می‌دهند پرهیز کن و خانواده را نیز بر حذر بدار.

### مطلب پنجم: چند نصیحت برای زن:

- ۱- هیچ انسانی، بجز پیامبران معصوم نیست، پس اشتباهات شوهر خود را بیخس تا زندگی زنشویی به گونه زیبا و بدور از درگیری ادامه یابد.
- ۲- هنگامی که شوهرت خشمگین است، آرامش خود را حفظ کن و تا زمانی که رضایت او را به دست نیاورده ای مخواب؛
- ۳- خود را برای شوهرت آرایش کن و برای جلب رغبت او، لباس‌های مزین بپوش؛
- ۴- تلاش کن خودت و شوهرت برای ادای نماز تهجد برخیزید؛ چون این نماز باعث برکت و صمیمیت در میان شما می‌گردد؛
- ۵- در مواردی که شوهرت امر می‌کند، تا زمانی که مخالف شرع نباشد از او اطاعت کن؛
- ۶- هیچگاه در انتظار معذرت‌خواهی از شوهرت نباش و او را مجبور به معذرت‌خواهی هم مکن؛
- ۷- از شوهرت با چهره شاد و لبخند استقبال کن؛
- ۸- وقتی شوهرت به مشکلی دچار شود، خود را همدرد و همراز او بدان؛

۹- به محض وارد شدن شوهر به خانه، از فرزندان و یا کمبود وسایل خانه،

شکایت مکن؛

۱۰- هرگز در انجام کاری که شوهرت از تو می‌خواهد تبلی و سهل انگاری

نکن، بلکه کارهای خانه را در حدود شریعت اسلامی با چابکی و رضایت

خاطر، انجام بده؛

۱۱- خانه را طوری بی نظم قرار مده که شوهرت احساس کند در تریب و تنظیم

امور خانه، سهل انگار هستی؛

۱۲- قناعت پیشه باش و از اسراف خودداری کن؛

۱۳- مغرور مباش و توصیه‌های شوهرت را در مورد تربیت فرزندان و تنظیم

امور خانه به آرامی و رضایت بشنو؛

۱۴- صدايت را در برابر شوهرت، بلند مکن؛

۱۵- به فرزندان خود، احترام به پدر را بیاموز تا او را بزرگ بدانند و از او استقبال

کنند؛

۱۶- تلاش کن در میان رسیدگی به مصروفیت‌های خانه، فرزندان و شوهرت،

توازن را برقرار کنی، طوری که بتوانی به همه امور رسیدگی کنی؛

۱۷- به والدین شوهرت احترام بگذار و با خویشاوندان او چنان رفتار کن که

دوست داری با والدین و بستگان تو رفتار شود.

۱۸- اگر بعد از ازدواج در قریه یا دهی اقامت نمودید که اسباب و تجملات زندگی شهری را ندارد، خود را از قید زندگی شهری آزاد کن و با زندگی بی‌آلایش و طبیعی آنجا انس بگیر؛

۱۹- اگر روزگار با شوهرت نساخت و تنگدست شد، غمی بر غمهایش ميفزای و با تمام وجودت در کنارش ایستاد شو و حالت سخت او را درک کن؛  
۲۰- از مهمانان شوهرت متنفر مباش و خانه را طوری آماده بسازد که در هر زمان، آماده استقبال برای مهمان باشد؛

۲۱- پیوسته به پیشرفت و ترقی شوهرت کمک کن تا یک خانم شریف و فداکار معرفی شوی و نزد فامیل و شوهرت، عزیز و محترم قرار گیری.  
۲۲- هیچگاه شوهرت را با مرد دیگری مقایسه مکن و خوبی‌هایی را که شوهرت دارد به یاد داشته باش؛

۲۳- دانا و بلند همت باش؛ از شغل شوهرت احساس شرم و سر افکندگی مکن و او را بخاطر شغلی که دارد، سرزنش و نکوهش مکن؛  
۲۴- پیوسته به یاد داشته باش که شوهر کسی است که می توانی توسط او به الله ﷻ نزدیک شوی؛

۲۵- حجاب خود را همیشه حفظ کن؛ چون حجاب تو، شرف و آبروی شوهرت را حفظ می‌کند.

﴿وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾



## متن برگرفته شده از مطالب کتاب :

خوشا به حال زنی که شوهر خود را در مورد غذایی که تهیه کرده یا پولی که بدست آورده است، بازخواست میکند و میکوشد تا گوهر خانواده از حرام خوری به دور بماند و اعضای خانواده از افتادن در ورطه حرام در امان باشند. یکی از دوستانم می گفت: در یکی از روزهای عید بخاطر دیدار دوستان و تبریکی عید، به خانه های دوستانم رفتم و بعد از دید و بازدید با آنها، مقداری میوه خشک را نیز در جیب خود انداخته و بیرون شدم. تا اینکه عصر هنگام به خانه خود برگشتم. وقتی به خانه رسیدم آن میوه ها را به همسرم تقدیم کردم و گفتم: از آنجایی که در خانه نشسته بودی و جای نرفتی، بناءً اینها سهمیه توست.

همسرم بر ایمن گفت: من باردار هستم و نمی دانم که آیا این میوه های خشک را با اجازه صاحب خانه برداشته ای یا بدون اجازه؛ همچنین بر ایمن معلوم نیست که صاحب خانه این میوه های خشک را با پول حلال تهیه کرده و در سفره چیده است یا با پول حرام. بناءً نمی خواهم جبینی که در شکم دارم، بوی از حرام به وی برسد.

